

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۶۷

سال دوم - دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- عراسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام صفحه ۱۶
- بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دورس در مشهد صفحه ۱۶
- روز به روز جنگ مقاومت در کردستان صفحه ۵
- بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲) صفحه ۷

در رابطه با نئو فاشیسم "سود ویزه" میخوانند:

«لغو سود ویزه» و حزب جمهوری اسلامی

لغو سود ویزه و جناحهای هیئت حاکمه وزیر کار در جلسه شوراها کارگران چه گفت؟

فلسطین در جمهوری اسلامی هم "لحاف ملا" است

آیا میدانید روز قدس هیچ ربطی به مبارزات خلق فلسطین ندارد؟! *

در هفته گذشته هیاهوی بسیاری بر سر حمایت از "قدس" و "مردم آواره فلسطین" برپا بود و دولت مردان جمهوری اسلامی هر چه توانستند در باره "حمایتان" از "قدس" بر زبان راندند بطوریکه اگر کسی از ما هیت قضا یا با خبرنگار شد ممکن است خیال کند که در پشت این سرودها حقایق حقیقتی پنهان شده است و جمهوری اسلامی واقعا به قضیه فلسطین کمک میکند!

مسئله فلسطین که یکی از عادلانه ترین مسائل در مبارزات خلق فلسطین است جهان است همواره مورد بیعتیبانی سازمانها و احزاب راستین کمونیست و نیروهای انقلابی در سطح جهانی بوده است. سازمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی ایران نیز تا بحال با حمایت و شرکت مستقیم در نبرد عادلانه خلق فلسطین، نشان داده اند که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران متدخل خلق فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم و ارتجاع میباشند. بسیار بودند رفقای کمونیست و انقلابی که در کنار خلق فلسطین رزمیده اند و در کنار خلق فلسطین و با دربار زکات به ایران بدست رژیم جلاد شاه شاهان رسیده اند.

از طرف دیگر مبارزه عادلانه خلق فلسطین همواره از سوی نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب مورد سوءاستفاده بوده است. اینترکمانی مانند آیت الله خامنه ای بقیه در صفحه ۸

در شهر سنندج، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون
یاوه های شیخ محمد منتظری

حق شناس: محمد منتظری با نگاهی به من درمابندی خود و طبقه و اندک تئوری را نشان میدهد.
صفحه ۱۱

سرمایه گذارهای امپریالیستی در شوروی

دولت مالیات اخصام امپریالیستهای آمریکا، ژاپنی و اروپایی سرمایه گذارهای وسیع در شوروی انجام داده اند. و قرار دادهای متعددی با شوروی بسته اند. علت این سرمایه گذاریها چیست؟ چرا شوروی که به قول برنتس، مرتد "بهرزهای تازه در زمینه ایجاد "تصادف" های وحشی کمونیسم" رسیده است (۱) هنوز محتاج سرمایه وام و تکنولوژی امپریالیستی غربی میباشد؟ پاسخ این پرسشها در این نکته میگذرد است که شوروی سوسیالیستی نیست و استالین بدنیال استقرار ریزو بیسیسم خروجنفی بردستگاه حزبی دولتی و استقرار سرمایه داری انحاری دولتی به کشور سوسیالیستی تبدیل میگردد. پاسخ در این است که در این کشور حاکمیت تمام عیار ریزو بیسیسم دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم نبوده و دیکتاتوری بورژوازی استقرار مییابد. برای اینکه مطلب در همین حد کلی باقی نماند باید تکلیف را توضیح داد اما در اینجا بدی اسباب همه جانبه واقعت کسوفی سوری نسیم، ماد توضیح سرمایه گذارها و امپریالیستهای خارجی در این کشور میخواهیم به چند مسئله مختصرا نگاه میسازیم نظر ما این است که ما از وجه قابل توضیح اند بقیه در صفحه ۹



ماهیت حزب توده تغییر یافته یا ماهیت اکثریت فدائیان

آیا واقعا کار انترناسیونال دوم رسیده است؟ آیا کار انترناسیونال دوم رسیده است؟ آیا کار انترناسیونال دوم رسیده است؟

پایان رسیده است؟ آیا کار انترناسیونال دوم رسیده است؟ آیا کار انترناسیونال دوم رسیده است؟

ما رکن وانگلس ریزو بیسیسم، دشمن انقلاب و نوکر بورژوازی شده است؟ آیا احزاب سوسیال دمکرات که بیش از ۳۰ سال نبرد طبقه کارگر اروپا را رهبری کردند سوسیال امپریالیست شده اند و یا آنطور که روزا لوکزا میورک میگوید به یک لائسه

منعین تبدیل شده اند؟ واقعت دولتی است. هواداران و اعضای ساده انترناسیونال دوم پرولتاریای انقلابی اروپا با جدواری با این حقیقت ریزو بیسیسم، صلح است اما واقعت دارد و چنین است که کسین فرمان میدهد:

به هر کجا که سوده های سوخم رده بنید در صفحه ۲

چرا رژیم جمهوری اسلامی بازماندگان شهدای سینما رکن آبادان را سرکوب می کند

صفحه ۱۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیة زلفچه ۱

ماهیت ...

نسبت به این رهبران خاش وجود دارند و بیرون بروند و ما هیت گریه این دشمنان نوپای طبقه کارگر را توضیح دهید. کارگزاران و دیگران که اعلامیه بال را امضا کرده و تمهید کرده بودند در صورت جنگ جهانی این جنگ را به جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خود بدل سازند اینک با روبا و رونیو کربوروازی خودی شده اند و چنین است که با بیستی به هواداران آنان توضیح داد که این احزاب، احزاب سابق و ریزیونیست جدید خوانده میشوند. احزاب سوسیال دمکرات دیگر به مرداب بدل شده اند دیگر این احزاب چشمه های نیستند که طبقه کارگر را سیراب سازند. کندهایی هستند که زالوهای بورژوازی تربیت میکنند. نه مرداب جای گوزنها نیست جایگاه قورباغه ها است. این است حقیقت تلخ این حوادث با رها در تاریخ تکرار شده و احزاب انقلابی به احزاب ضد انقلابی بدل شده اند. با ران دیرین انقلاب به دشمنان آن تبدیل شده اند. سازمان چریکهای فدائیی خلق بعنوان یک سازمان انقلابی در میهنمان برای توده ها آشناست. پویانها، احمدزاده ها، مومنی ها، مهرنوش آبراهیمی ها، مرضیه احمدی اسکوشی ها، بنا بدل ها و... "ما هی سیاه کوجولوها"ی که میگویند راهبوی دریا بیابند. انقلابیون دلاوری که هر چند بی تجربه، هر چند دارای اشتباهات، انحرافات غیر-پرولتاری فراوان اما با عشق بی پایان به انقلاب و خلق و کینه ای بی پایان علیه دشمن طبقه ای، جان-پازانه شکنجه و تیرباران شدند و با خوشن سنگفرش خیابانها را رنگین کردند. آری سازمان این انقلابیون مارکسیست احترام بسیاری از توده های ما را جلب کرده است.

اما سازمان چریکهای فدائیی (اکثریت) آن سازمان انقلابی (ولی دارای انحرافات غیر پرولتاری) نیست. فدائیان آن سازمان به توده ها ایمان داشتند، به خلق و انقلاب عشق میورزیدند، اما اکثریت فدائیان اینک از انقلاب و توده ها میترسند و با ما بورژوازی گریخته و میگویند دست در دست بورژوازی بر علیه توده ها و انقلاب توطئه کنند. ما پیش از این نشان داده ایم (در زمینه های بیکارهای ۵۷ و ۶۴) که چگونه فدائیان (اکثریت) به انقلاب خیانت کرده اند. در اینجا ما نمیخواهیم در این باره سخن بگوئیم فقط میخواهیم استحالته فدائیان را از یک سازمان انقلابی به یک سازمان ضد انقلابی در نحوه برخورد به "حزب توده" روشن کنیم.

شما ره های کار را تا ۵۹ ورق بزنید. در مورد حزب توده فدائیان چه میگفتند؟ هر چند این سازمان در مورد حزب توده بمانند کارگزار سوسیال امپریالیسم شوروی فاقد تحلیل مارکسیستی بود ولی اعلام میداشت که حزب توده خاش و ریزیونیست است. میگفتند بزرگ-تریبی خطراتی برای کمونیستهاست و...

ولی "اکثریت" تبدیل یکسری تدارکات مقدماتی در کار ۶۸ و قیحا نه میگویند:

"تبدیل تحریکات گروهبی تخریب و آشوب در روزهای اخیر موج جدیدی از حمله به نیروهای سیاسی و دفاعی آنها را فراهم کرده است. این حملات بخصوص حمله ترقیخواهان را زنده است. این حملات بخصوص حمله

به دفتر "حزب توده ایران" تکرار کردیم و میکند که... (با کیدازماست. معالعه حمله

دفاعی از ما بهای سیاسی را محکوم نمیکند. حزب خاش توده حزبی که بنا توده بر علیه بوده و بنا مردم بر ضد مردم بنا طبقه کارگر بر ضد طبقه کارگر عمل میکند، اکنون مترقی و ضد امپریالیست میگردد. براساسی ما هیت حزب توده عوض شده است؟! هزار بار رنه می بینیم با هم حزب توده بر علیه خلق کردیم. چینی کارگری، دهقانان و نیروهای کمونیست و انقلابی توطئه می کنند. در یورش به زحمتکشان و نیروهای انقلابی با ارتجاع همدست میشوند (مثلا در راهبائی بر علیه با صلاح منافقین یعنی "مجاهدین خلق" شرکت میکنند، مبارزه خلق کرد را به لیبیا نه نسبت میدهند...) و دستان غرقه در خون رژیم جمهوری اسلامی را میبویند... حزب توده کماکان همه توطئه های خود را بر علیه انقلاب و زحمتکشان و انقلابیون با حدیست بیشتر داده میبویند و علاوه بر این حزب همچنان در خدمت به سوسیال امپریالیسم شوروی با ما مقوا میگویند. پس حزب توده تغییر نکرده است این سازمان فدائیان (اکثریت) است که تغییر کرده و همسوا با حزب توده بر علیه خلق کرد، بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلاب و خلاصه بر علیه انقلاب سنگر گرفته است. و چنین است که حزب توده ای که پیش از این "خاش و ریزیونیست" بود "اکنون" "فدا امپریالیست و ترقیخواه" نامیده میشود و اینک مقدمات را می بیند تا با اتحاد با حزب توده، متحدان کارگزار سوسیال امپریالیست را سرگردان و بر ضد انقلاب ایران متحد عمل کنند.

سخنی با هواداران اکثریت:

اکثریت شما هنوز چشم به ست انقلابی فدائیان غرقه در خون و شهید دوخته اید. اما دستان، این فدائیان آنان نیستند. کسانی که نام آنان را اکنون بید میکنند، ریزیونیستهای هستند که میخواهند طبقه کارگر و توده های خلق ما را به کاری ارتجاع ببینند. شما در عرصه های مختلف مبارزه طبقه ای تحت فشار، زندانی، شکنجه و تیرباران قرار دارید و آنان مبلغ مرتجعین و بوسندگان آستان بورژوازی و تطهیر کننده جنایات ارتجاع میباشند. در شما ره ۶۸ کار می بینیم که دوتن از شما هواداران را همین رژیم با صلاح فدا امپریالیست و خلقی جمهوری اسلامی تیرباران کرده است، اما می بینیم که کمیته مرکزی (اکثریت) چرقتاری با این بیدادگای ارتجاعی دارند. هنوز خون عزیزان ما فرا مرز حمید و عبدا لله قزل خشک نشده که سازمان فدائیان (اکثریت) همان بیدادگای ملجا و بنا هگا - خود می سازند و همان بیدادگای برسمیت می شناسند و بر علیه روزنامه اطلاعیه "دادستان کل دادگایهای انقلاب (۱؟)" بلای ایران بنا می برند و قیحا نه این کنیف ترین بیدادگایها را که خون دهها کمونیست و انقلابی دمکرات و زحمتکشان کرد و کارگران بیکار و... از درد دیوار آن می چکد برسمیت می شناسند و آنرا به حکمیت می طلبند. این شما هستید که مورد آزار و اذیت و حتی تیرباران قرار می گیرید. اما رهبری ریزیونیست و قیحا نه به استانیوسی فاشلان و شکنجه گران شما می رود.

دوستان!

مردخان بلیوس و مسلطی در دادگاه مسلطی حاضر بود، سلطان کساندمان بخورد اندک سبب اراددمان شریف و مجیدی کند. مرد مسلطی در وقت ساددمان سرودی سرا بد و آسرا بویه بیسی تلخه داد میکند. سلطان چون از خوردن ساددمان سرمد و سگس ساددمکند بدلمن و دشتا مباددمان می بنسد. مرد مسلطی ساددمان را بدترین طعم عوان مکنسد و بدنه به آن سنازد. سلطان برمی آسود و می گوید سوخمس دود سفه بیسی ساددمان را سسودی - مرد و قیحا نه میگوید من تو کربو هسمن و نه تو کربیا دمجان.

و اینک رهبری ریزیونیست فدائیان (اکثریت) میخواهد هواداران را اینگونه تربیت کند، و میخواهد توده های هواداران را بر اساس روحیه ای جاگرمنا نه در برابر بورژوازی سرورس دهد.

اکرنا دیروز حزب توده خاش و ریزیونیست اطلاق مشد (بی آنکه ما هیت حزب توده تغییر یافته است) امروز رهبری ریزیونیست آسرا "مترقی" سنامد و به دفاع از آن برمی خیزد و می خواهد که هواداران نیز چنین کنند و هر چه در مورد ساددمان (اسحا حزب توده) کند. هواداران نیز کار سناسد.

اما ما مطمئن هستیم که اکثریت هواداران متعلق به خلفند و دارای روحیه مبارزه جو به علیه ارتجاع حاکمی با شد و چنین است که با بیستی با قاطعیت گفت دوستان این فدائیان، فدائیان سابق نیستند، چرا؟ به این دلیل مشخص که سخنان سابق را نمی گویند. آنان از انقلاب دیگر حرف نمی زنند تحلیلهایشان در مورد حاکمیت (هر چند در گذشته نیز دارای انحرافات بود) این نیست که امروز می گویند، سیاستشان در مورد شوروی، در مورد حزب توده به قهقرا رفته است. این اکثریت فدائیان هستند که دیگر نظرات گذشته خود را بسود بورژوازی تغییر داده اند. هر چند تلخ است اما واقعیت دارد. فدائیان (اکثریت) تحت هدایت فرسخ نگهدارها بتدریج در حال تبدیل شدن بیک گنداب کامل میباشد. دوستان، این گنداب و مرداب جایگاه "تورباغه های خروچقی" است (اصطلاح رفیق فدائی شهید بنا بدل در مورد شوروی) و نه جایگاه کمونیستها و انقلابیون راستین.

بکدارا کربیت فدائیان برای حزب توده مدح و ثنا بگویند و متحدان نوکری بورژوازی را انجام دهند. خلق قهرمان ما خاشانت ریزیونیستها را هرگز فراموش نخواهد کرد. اکنون نوبت شماست که با این خیانتها مرز بندی قاطع کنید. دوستان مرداب کلهای لاله را می بزمرد. به آن نسیم سنا ندیدید که میبکد با کم و پاک خوا هممانند، اما چون از مرداب گذر کرد، بسوی تعفنش همه جا را آلود. نسیم را بجای گذار از مرداب بایستی از جنکلسر سسیر از انقلاب عبور داد از مرداب بپوهیزید!

توضیح و تصحیح:

در بیکار ۶۵، ضمن تجلیل از رفیق شهید رضایرتوند از او بعنوان "بیکارگر" یاد شده است. با دآوری می کنیم که رفیق بیکار کمونیست هوادار "خط ۳" بسوده و وابسته به سازمان ما نمیشد.

همچنین در بیکار ۶۵ صفحه ۸ ستون سوم سطر ۲۲ اشتباهی چاپ شده... با تمام نیرو حیا نت خود... که صحیح آن "با تمام نیرو حقا نیت خود..." میباشد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه از صفحه ۳

شورای انقلاب ...

کارآمدنش، بیبسته در جهت منافع سرمایه داران و سرکوب مبارزه کارگران و زحمتکشان قدم برداشته و برمیدارد. بعد از قیام رهبری دولت به دست بازگان (لیبرال) افتاد. و دیدیم که آتشکاران را از نظم گذشته پشتیبانی می کردند و نظام سلطنتی را بدون حکومت شاه منتها با همان قوانین و راه و رسم گذشته خواهان بود. رژیم جدید کوچکترین دستی به ترکیب سازمانی ارتش ضد خلقی نزد و همچنان آنرا برای سرکوب مبارزات مردم زحمتکش محافظ نمود. در دوره بازگان بود که مبارزه عادلانه و برحق کارگران کارخانه مینو، درخرم، دره، زنجان به خون کشیده شد، مبارزات کارگران بیکار در تهران، اصفهان، ... بهر گوناگون گلوله بسته شد و در نوروز، به عنوان عیدی طبقه سرمایه دار و رژیم حاکم، بمب های آتش را و توت و نانک به خلق کرده بدهید. رژیم با تمام قوا پیش جهت سرکوب مبارزات خلق کرد، اقدام نمود تا از منافع ملاکین و سرمایه داران دفاع کرده و جلوی هرگونه تخاصم و زیاده شورش سرمایه داران را بگیرد. همین رژیم بود که کوچکترین قدمی در جهت مما در سرمایه های سرمایه داران و استعدای ایران به عمل نیاورد و در همان ابتدای روی کار آمدنش، ۵ میلیون ردمبال و ۱۰ میلیون تومان در عوض سرمایه های کلانی که از ایران خارج کرده بودند، دوباره جبرج صناع و وابسته به امپریالیسم را به گردش درآورد و در مقابل، او مانع از مبارزات کارگران بیکار را قطع کرد. و تکی که یکی از خواسته های مهم کارگران، محاکمه و مجازات سرمایه داران فراری بود، و سر دولت با اصطلاح انقلابی در اجتماع کارگران رسماً اعلام کرد که "هرگونه مخالفت با بازگشت سرمایه داران فراری، یک توطئه است." کارگری است "۱۱/۱۲/۳/۵۷" و آتشکاران از منافع سرمایه داران فراری به دفاع برخاست.

همچنین در دوران دولت بازگان بود که هرگونه تظلمات سرکوب میشد، جنگهای برادرکنی به خلق کرد، ترکمن، عرب، ویلوج و... تحمیل گردید و دهها شهید به جای گذاشت بعد از بازگان، برای یک دوره، رهبری اوضاع بدست شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی افتاد. در این دوره نیز هیچ کاری صورت نگرفت و روال گذشته ادامه یافت. همان اوضاع قبلی دوباره تکرار شد. حمله به کردستان با شدت بیشتری آغاز شد. کتاب سوزانها شروع شد و نظارات و اعتصابات به خون کشیده شد. بعد از این صدر رئیس جمهور شد. کشتار کارگران ادامه یافت (اصفهان، اندیمش، درود و...) و حمله به کردستان دوباره شروع شد.

اگر در بعد از قیام، همچنان قانون کار را بر پایه مهربی در کارخانجات اجرا میشد و شورای با اصطلاح انقلاب و دولت انقلابی، کوچکترین قدمی در جهت تقویت بین قانون ارتجاعی و ضد کارگری برنمیگذاشتند، در دوره بنی صدر ضد کارگری بجای آن باقی ماند.

در مقابل مبارزه و فشاری که کارگران برای برقرار شدن ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دادند، هم شورای انقلاب و هم دولت، این درخواست برحق کارگران را که به ضرر سرمایه داران بود رد کرده و آنرا "توطئه عنان بردار انقلاب در میان کارگران" جلوه دادند.

این رژیم و منجمه شخص بنی صدر، کوش فراوان

بکار بردند تا از اینجا دشواری های کارگری جلوگیری عمل آورند و برای این منظور آشناسنامه شوراهای کارگری دولتی را تصویب کردند که تمام دفاعات سرمایه داران بود. اما هر گاه که کارگران آگاه میبودند و در سنجش اشخاص دینشتری داشتند، رژیم سواست کاری اریس سرود. بنی صدر آشکارا در جهت دفاع از سرمایه داران گفت: "شورای شورا، شورا، شورا ما لند" ماده ۳۳ که اخراج کارگران را تحت هر شرایطی مجاز میداند. هنوز هم با بحران و رژیم عملاً آنرا به اجرا در میآورد. سطح حقوقها و اصنام نسبت هر سه رتبه دکنی، و کراتی کمترین باسین است. رژیم کوس می کند تا با رهه منکلات را بر دوش کارگران بگذارد. توطئه لغو سود و زیاده برداشت ۲ ماه حقوق بجای سود و زیاده و عدی ستان دهنده، دفاع آشکارا رژیم سرمایه داران است. جراسعد از کدست بنی از ۱۲/۵ سال از تمام، هج تقاضای در زندگی ما کارگران حاصل شده است؟ چرا دهقانان بی زمین میباشند؟ چرا زمینداران و سرمایه داران بزرگ طلب مالکیت نمیکنند؟ چرا سرمایه های امپریالیستی مما دره نمیکنند؟ چرا فروش باسکها را به امپریالیستها برده می کنند؟ چرا کارگران مبارز و آگاه را به زندان می اندازند؟ چرا نورا های کارگری و سندیکا های واقعی را بر هم میزنند و جلوی کار آنها را میگیرند. آزادی های سیاسی چند؟ چرا دوباره، خواندن اعلامیه ها جرم و جرم و زندان و شکنجه دارد؟ جواب همه این سوالات را با بد در ما هیئت این رژیم پیدا کرد.

همه چرا؟ هیئت حاکمه، چه دولت چه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، همه دشمنان قسم خورده کارگران و زحمتکشان ما میباشند و همه در جهت منافع سرمایه داران دفاع میکنند.

این هیئت حاکمه میخواهد و میباید در خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد. زیرا اینان نه نماینده کارگران و مردم زحمتکش، بلکه نماینده سرمایه داران و زمینداران هستند. و برخی از آنها نماینده و سوکر امپریالیستها میباشند (کسانی مانند بهشتی، قطب زاده، آیت، مدنی، بزدی، و...)

در این هیئت حاکمه عدما دو جناح وجود دارد، یکی جناح به اصطلاح لیبرالها، برهبری بنی صدر و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی، اولی بیشتر در ارتس، در ادارات دولتی، و وزارت خانه ها، قدرت و نفوذ دارد و دیگری در سپاه پاسداران، دادگاههای انقلاب، شورای انقلاب، مجلس شورا و غیره. اینان هر یک سعی میکنند دیگری را ارحیطه قدرت کنار بزنند و خود جای آن را بگیرند. اما هر دو در نهایت، خواهان سرکوب مبارزات کارگران و مردم زحمتکش میباشند و در این زمینه صدر و مددی هم موافقند، منتها یکی سیاستی در سرکوب، چماق و تانک شیری است، و دیگری، تنها سیاست چماق و سرکوب خونین و کور را در نظر دارد. اما هر دو آنها به شیوه خودشان سعی می کنند "تنظیم" و "امنیتی" درجا مع بوجود بیاورند که تحت این تنظیم کارگران و زحمتکشان بیشتر استنما میشوند و سود بیشتری به جیب سرمایه داران برود، یعنی هم جناح بنی صدر و هم جناح حزب جمهوری اسلامی هر دو در دینمی با طبقه کارگر و مردم زحمتکش وحدت نظر و عمل دارند. تصویب قانون جدید، یعنی لغو سود و زیاده نیز جدیدترین اقدام ضد کارگری آنها است.

بقیه از صفحه ۳

لغو سود و زیاده ...

توجه به اینکه اعتراض کارگران را غنای لغو سود و زیاده تا کز بر می داند، و الا برای سوا، اسفند از این اعتراضات بر علیه جناح دکنی و ضعف آن و بسیاری از احزاب گسارند مبارزه کارگران و میرتی حله و دادن خود، دست به کار شده است.

مگر حزب ارتجاعی خلق مسلمان، برهبری سرینعمداری نبود که از حرکت اعتراضی مردم تهران تیریز می خواست به نفع خودن استفاده کند و جناحی دیگر قدرت را ضعیف سازد، این بار نیز حزب جمهوری اسلامی است که از حرکت اعتراضی کارگران می خواهد بیشتر - بن استفاده را به نفع خود کند.

اما اینان کور خوانده اند، زیرا با سوجه افتنا - کزی کارگران آگاه و مبارز و سازمانهای طرفدار طبقه کارگر، بعضی سازمانهای کمونیستی، این نقشه های ارتجاعی نقش بر آب خواهد شد.

همانطور که کارگران در عمل نشان داده اند، اینها ریزش مبارزه را ادامه خواهد داد. کارگران مبارز، با افشای این توطئه ضد کارگری، یعنی لغو سود و زیاده، با افشای حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که در جهت بهره برداری از این ناراضی تبه نفع خود میباشند، با افشای انجمن های اسلامی که جنم کوس حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات میباشند، در جهت جلوگیری از به انحراف گسارنده شدن مبارزه کارگران بکوشند.

شورای فلابی انجمنهای اسلامی محصل نباید کرد تا بودا توطئه های هیئت حاکمه بر علیه کارگران و زحمتکشان رسد با داد حاکمه کارگران ایران برای لغو قوانین ارتجاعی

بقیه از صفحه ۳

اعلامیه سازمان ...

اسلامی در رابطه با ارتش ضد خلقی و سرکوب خلق کرد، دستگاه داری و ساواکی ها، کارگران بیکار و سرمایه داران انار کرده و در آن آمده است:

رژیم جمهوری اسلامی برای تامین منافع سرمایه داران هیچ راه دیگری ندارد حراسکدنا افزایش قیمت اجناس (حتی حبابی سربس آنها مانند گوشت و نان) و با کم کردن حقوق و مزایای کارگران، سطح زندگی کارگران و زحمتکشان را به شدت پایین بیند و در آنجا راه روزیها هستند. در پایان سال گذشته رژیم کوس کرد با قطع سود و زیاده کارگران به جیب برآز بول. سرمایه داران خدمت بسیاری کند ولی از آنجا که در آن زمان مبارزات کارگران از سطح بالائی برخوردار بود موفق شد این کار را بطور کامل انجام دهد و فقط توانست در بعضی جاها که سطح مبارزات کارگران با ثن بود سود کمتری به آنها برده زد و در پایان سال تعداد بسیار زیادی از کارگران آگاه و مبارز کارخانجات را بیرون کند. بیستی عضو شورای رهبری حزب جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب در همان زمان طی مصاحبه ای گفته بود که سود و زیاده طاغوتی است و باید حذف شود ولی حالا، زمان آن نیست و به این ترتیب لغو سود و زیاده را به "زمان مناسبتری موکول کرده بود،

بقیه از صفحه ۱۴

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

روز به روز، جنگ مقاومت در کردستان

۵۹/۵/۷: استنبوه

تجایمی که در فرماندهان و نسلان انجامند، محمان
ارباب ارتش و پاسداران ادا نمیدارد. در کردستان
آنچه که میباید میگذشت، تکمیل و آرا را خلق بسرای
انجا دنیا مطلق استیب، در کردستان بساید، در
ساعت ۱۱ صبح ۵۹/۵/۷ ارتش و پاسداران با حصارده
روسی "بیزاوه" از روستای اطراف اسویسورین
میریدونیا دویا تک و پنج ماشین ارتشی وارد روستا
میسوند. مردان روستا که سرسرا رسویدند، فرمان
دینا میگردیدند. ارتش و پاسداران تجایمی مردان
حقی یوحوانان را دستگیر کرده و با خود به خالوکه مفر
آسان است مسرتند و دریا سخ بیدا عراقی زن، و کودگان
با نیک آسان را بسیدند میکنند. منظر دران و کودگان
وحسارده ای که با ادا اعمال وحسابه پاسداران و
رسودن عززاسان بودند، خم و مقرب هر چند بسری
را سرعته هاب خاکه برمی انگیزد. در اس سورین
وحسابه ۴ نفر دستگیر شده اند که براساس اخبار
رسیده میوردند و نگه دارا رستفرا گرفته اند. استگونه
اعمال غیرانسانی برای ارتاب و سرکوب معاوم خلق
گردا با محسبند. اما در خلافت تصور باطل دشمنان خلق
سروی معاومت رحمکیان با مان ناید است. این
واعیت رایسناسی روستاشان کردگان، واقع در
اطراف اسویسورین مردم روستای "بیزاوه" خلق خوب
سان میدهد. این روستاشان رحمکیان با اطلاع از
بوری وحسابه رژیم را کردن کارخوس به طریقت
اسوبه حرکت کرده اند. آن از اعمال مدخلتی ارتش
و پاسداران ابرار مقرب گردید و خواهان ادا به مبارزه
بشمیرگان نیریمان شد. آری، نیریمای خلق
بی با مان است!

۵۹/۵/۸: میروان

بیشترگان قهرمان حماسه می آفرینند
در این روزیک سون ارتشی منحل بر حردن
تاک و کابون حامل جانی و پاسدار ارتشی سا
حیات ۳ فرونده لیکو بیتر از سنج به طرف میروان در
حرکت بود. این سون در کردنه "گاران" در کمن
بشمیرگان رژیمه کومله، دسه سید حسن اسناد.
بشمیرگان با حمله ای سجا عا دصرای سحت به سروای
دشمن وارد آورده اند. روز سده سون درد و بی عطسه
دیگر محده از رحلات شده بشمیرگان حائبا ز کومله
فرا حرکت. در این درگیری که از ساعت ۹ صبح سا
سعدا ز طیرا ادا مه داشت شلغاب سکیسی به سون وارد
آمد. چهار کابون حامل مچات و مغراب آتش گرفت.
ک کابون به دره سقوط کرد و نتا مرنشیمان آن کسه
شدند. پنج کابون دیگر نیز توسط بشمیرگان قهرمان
میدم گردید و سون از ۹ نفر از افراد ارتش، پاسدار
و جاشها کشته شدند. در این نبرد بشمیرگان
به شهادت رسید.

۵۹/۵/۹: قالاتان

گوشه ای دیگر از جنایات رژیم در کردستان
در ساعت ۷ صبح پاسداران نقده با حصار ست دو



خلق ها و مسئله ملی

در شهر سنج، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟

ارتش و پاسداران چه می کنند؟
یاد ختران مبارز خلق کرد چگونه رفتار میبند؟
انقلابیون چگونه شکنجه می شوند؟

با روحیه معاوم خلق را در هم شکسته گروهی از پاسداران
که با رده خابانی شده بودند، با حمی از کودگان حیدسال
که سرعته آنها سار رسا در ویرودند پاسداری در
حائیکه سرعده میگذرد آنها را بسیدند کرد و گفت: "خرجه
رودر منبری بود و الا خدمان را در کار کلوله
می سدم. و کودگ ۱۲ ساله ای در ساح وی کنتب:
"توب و تاک سما سواست ما را از برسر سون کند و
حالا سانی جوا خدا سگار را بکند." باخ پاسدار
حیویری اسلامی رکاری بود که همه های کودگ سگا
تک کرد. خاسان از خون کودگ رسکن کس. در
کوه ای دیگر درگیری خالی از سحر که سررسی
سید بود. ارتش و پاسداران سوی هجوم سردند و با
جرات تک بی جوا سنا او را ادا رسد حله سکر
کند و سرورن سجا غا دریا دسره. ادا ای سکر
نبردان بی اس و خج کبی می تواند ای سکر
را کدا دسان جودان با حاتم، اسغال کند.
آری آن کودگ و اس سرورن اس خلق سیدند. همان
"کناری" سسند که سران حیویری اسلامی آجسان
دسوا دوارا سرکوسان محبت می کنند و سرحان داز
کشاران دم میزند.

کارگران، رحمکیان و سوده های انقلابی ایران!
ببین اردو ما از اسغال شهر سنج بوسلس
سروهای ارتش مدخلتی، پاسداران ارتجاع و جاسیای
خاش و خود فروخته میگردند، بشیر سنج که به مدت ۲۶
روز در برابر بیخه جام همه جا به و کسیده رژیم، در برابر
ساران کلوله های توب و حصار ره و راکب، به بقا و مت
حماسه آفرینی کبه سوره آفای بی مدیوسن ها را از
با ها بنان در سنا ورده اند لکد کوب مسود و مردم دلاورین
سود ضرب و ستم بوسن و دستگیری، سگج و اعدا م فرار
میگیرند. سنج و سران از برنات هرا ران کلوله توب
و خمپاره، سنج جوسن از خون سرخ بشمیرگان و مردم
نیریمان، اینک به میدان با ح و بار دمی جوسوار
که فدیت و دمی خود را به فقط با خلق کرد
بلکه با کلیه طیفها و رحمکیان میمان سان داده
است، در آورده است، حاسات و سوارات رژیم کسند
خلق در این مدت کوبا سسنا از حدمسور استیب
کشارهای وحسابه سوده های مبارز
میمان را که بدست رژیم ما خاش توب میگردند
در ادهان رسد میگذرد. رژیم جمهوری اسلامی بی سجد
جنایات و کشارسی رحانه خلق کرد را، با سون سسند
سکوب بر گزار کند و از ریلده کوه ای سخی بیا کسبی و
تربیسوئیهای ارتجاعی، به فحاشی و سوهن وانسرا
علیه خلق کرد و سیروهای انقلابی سیرا زد. حال که
رژیم کسبده مکاسانی بی در سونا بدن حاشی و
سحرک و نایع دارد، ما لازم میدا سسبه مسطورا کاسی
رحمکیان و سوده های انقلابی میمان، ارتجابات
رژیم در کردستان برده سردار رژیم را سنا دعوت کسبم
که نیرا د اعترابی و مقرب خود را بسبب ادا اسغال رژیم
بسیدند، چه آنکه در کردستان نیریمان میگذرد، س
سوه های دیگر و با اوج گیری مبارزات با سرحلیها و
رحمکیان ایران، سنا سنا اسغال نیده خواهدند.



روز ۲۱ اردیبهشت ما بسید که بشمیرگان نیریمان
خلق کرد، بشمیر کسبند، سرای جلوکبری از کشار
مردم سبکنا به سیر سنج، که در یک حکت با سنا و حلی
روز سرور ارتش بی سافت، بشیرا حله کسند. و سیر
ارتش سمرگان سخله سنا وجود این ارتش و پاسداران
با دوروز سنا ریحلیه سیر، حراب ورودید بشیر خالی از
بسیر که رانده سنا!! و سنا از آنکه اطمینان با سسند
دیگر سیری بشمیر که در سیر سست، مفرورانه وارده سیر
سند و ج که را در حبا سنا دسند، مورد ضرب و ستم فرار
دانه و دستگیر کردند، بی حبت سنا رانده ای سید حسد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقعه از متحده ۵

با استعرا از ارس، با ساداران و جاسها، ملاطفتد خانه کردنیها آغاز شد. آنها محلات را محاصره کرده و سپس وحشیانه به منازل مردم هجوم میاورند. در هر خانه ای که قتل بود یا رنگارنگی و مصادی اسلحه ها را میبردند. خانه ها را زیر و رو میگردیدند تا به حصول خودشان عناصر ضد انقلاب را با کمزری کسند. در منازل بدستال انرا در مبارز و انقلابی بودند، و هر کجا کسی را می یافتند، بدروما درها را بعنوان کروگان دستگیر میکردند. به اینترسب صدها نفر را جوانان و مردم پیرا را کودکان کم سن و سال گرفته با افراد امن دستگیر شدند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. حرام کسرا بس عدها معلوم میس - در آوردی بود یعنی افراد را در حرم همکاری سنا با صلااح "مداغلاب" دستگیر کرده بودند. دخرا بی که شلوار کردی به پایا سیدیه حرم "مداغلاب" و "اسرار" بندت مورد توهین و آزار قرار میگردیدند و چندین نفر از آنان در همان روزهای اول بدون هیچگونه محاکمه - ای بدستور حجت الاسلام هادی عفا ری دستر هسای اعدا میسندند. عفا ری در پاسخ بعضی ابرسرل ارس که به این امر اعتراض کرده بودند گفت: "این دجسرها کمونیستند، آنها فاسدند و اغلب آنها فرزند ان - مشروعا رند و حاطه اند و اعدا منان و احباب است." این است کثافتی که از دهان نمایندگان "خط امام" رژیم جمهوری اسلامی که مغزهای غلیل و دسپهای جونسنان در کشتار خلق معرجه میکنند، سرورن میانه است. دختران و زنان اغلب نماز ارس حواسی بودند که در برابر رنگارنگی و مصادی وای رحمان و محرومی حک می بردا خند، آنها سلسلس سروری بودند که در حال جنگ، بوده ها را آموزش میدادند، آنها عدا ای اهالی محله و بیسمرگان را هیبه و سورع میکردند. آنان بیرومان حواسی بودند که بدون کمک آنها منا و مسدولترانه میسر شدند چمکی نمی شد. و آن وقت هادی عفا ری این سخنان بی مح رژیم جمهوری اسلامی به آنها میسند "ما دمی رند، سبک و مغرب سراسا دا خفتان و احسان در سپر ساد اسکند، بعدا انفرادی که دستگیر شده اند سس از اعدا را سب. بطوریکه دستگیر زدها با حاشی ندارد، بعضی از زندانان را بدیبره های بی جون سیران و کرنا سدا سرای میا که به سنادا داند و بعضی دیگر را با صفا آراد اسکند. اما را اعدا میسنا روز بروز ابراس مناسا. اعدا میسنا ادرسه های ۲-۳ نفری انجام میدهند. برای اس اعدا میسنا هیچ گونه دادگهای سیکل نمی شود. و مذت محاکمه ارسا منا عت بخا و رسمی کند. کاهی اس حاشی کر ارس دهنده کفیلان خص را در نظر هراب و با سیمان کس را با اسلحه در جنان ددها است. اس بدستی حکم اعدا میسنا است حاردا اعدا میسنا را به اعدا داده هاشمی دهد. و در صورت موافقت آنان، سادادان حار دبول ریادی دریا فب میکنند و حاطه سواد سپر را سپر ساد اسکند که حی برکاری هیچ گونه مجلس بر حمر را حوا هدها است. نا کیون اما رسمی اعدا میسنا در سندن سس از ه ۲-۳ کر ارس دده در حالیکه اما ریسر رسمی حاکمی از اعدا ساد منس از بیجا بیفرا است.

زندانیان دستگیر شده، بسبب نخب گمبول و آزار و شکنجه قرار میگیرند، سوبزه دختران و زنان جوانان آزار فر وانی می بینند. جاسها بر سرنا و زبده دختران قهر مان حتی سایدگیر به جدال میسر دارند. نمونه - های زیادی از تجاوز به سیررینان و سیردختران قهرمان سندنجد دیده شده است، چندی بسسکی از این رفعا ی دختریه همین دلیل دست به خودکشی در زندان زده .

مردان و سیران سز سبب مورد آزار و سبب فرار می -

کردند. جاسها و ساداران، به سوه های ساواک زندانیان را کنگ رده، آنها را به رنجبری سندن. می سورا سدر بر صرا ت مس ولگد و سبک می گیرند سعی از زمانی سری که بعدا آزاد شدند، در انترسد ت صرا ت وارد حشی آدرس جاسهای خود را و نام بدر و مادران را فراموش کرده بودند.

هچ عا ری در حاطان امنست ندارد. چندی بس دوکا رکر، کددمدان آزادی سندن برای سسحوی کار میسند و بسبب ان هچ دلملی، مورد سیرا سناداری با ساداران قرار میگردند و به سبب سیرا سناداری مزدور در پاسخ به این سوال که چرا سیرا سناداری کردی میگوید: "آنها دسنان را به حسان بر دند و من فکسر کردم که بی حوا هدا رنخک صرا ت کند؟! رورها نشی که سکی از مزدوران ارس، با سادار و حاس، به سبب سروه ای انقلابی معدوم میسوند، اکثر مغازدها را به رورا اسلحه سعطیل میکنند و مردم را به احبار به نظر هراب دعوت میکنند. در اسن سوع نظر هراب معمولانه جز جدت دهغری که حاس و با محافظه کار رند کس می ترکت نمی کند و اغلب ترک کسندگان آن خود جاسها، با ساداران و ارس میسند.

اخراج اس سپهوی نام "عبداللله جاساران" معروفه "عبه باره"، در سندن حطی یک در کسری سنا بسمرگان محروچ و کسند، را دس سندن و روز ساد سده جمهوری اسلامی که مدافسن سرخت جاسها بسمرگان مسلحان کرد، سبب، با آب و ساد ترک کسندگان در نظر هراب راده ها هرا ر عفا ری مردم سندن حوا هدا در حالیکه بعدا دستر کسندگان سمدحی کدا کسرا میسنا در روز سیرا سناداری هراب کسده ده دیوید به جدت صده غر هم می رسدا ساداران، جاسها و ارس در حاطا سنا سنا رمندا دند، و مردم به آنها می حشکند. مردم سندن آرزور را سیرک برک "عبه باره" حشی می گرفتند، و بسس انلنهاد و بطرز متحکی عزاداری می کردا!

کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی و مبارزان ایران!

ظهور سوب، اساد کجکی از حاطا ساد رژیم جمهوری اسلامی در کسده ای از گردسنان، در سیرا قهرمان سندن است. رژیم انلنهاد می کوسد، حود را فاسح بیان دهد اوسمی میکنند و ههای با آکا ساد صراطی ایران را فریب داده و حنک سصلی گردسنان را حنک مسان "گفا ر" سندن. سنا ساد کت، سنا می نما ساد کسان هسب حاکم ایران سس، سدا، آب اللده حشسلی، مسطری، حمران، فلاحی و... در اسن حاطا ساد سسسم هسند. آنها سعی میکنند با سبب سنا آکا می حشس وسعی ارسوده های خلق، حاطا سنا را کده گردسنان انجام میدهند و حکی بی رحما سنا را که به بیانسسه خلق سلاج عمومی و حکی ساعفا ای آغاز کرده اند سنا لایوسای کسند.

اما در مقابل، خلق دلاور کرد و بیسمرگان قهرمانس در کوه و سیرنا رده میکنند. روزی بسبت که خسیراز صرا ت موفقت آمس بسمرگان خلق مسسرت سبب، هسه های مقاومت در شهرها و سوبزه سیر سندن همرا ها صرا ت سنا به بسمرگان خواب و آزار مس را بر سوا ی دشمن حرام کرده است. توده های مبارز سندن سنا عزمی را سح صرا ت آکا می هر چه بسسرا ما هسب رژیم ضد خلقی و با حاشی که از جنگ قبلی کسب کرده اند، سیرودتا حرکت توده ای را در جهت افسا و مقاومت در سیرا فر وای متخا صمدارک بسسند. رژیم سنا بدیوانسند

جدت صا حی سیرها را به اسال در آوردند حاطا سنا بی - رحما به وسیرا سنا بی حودا دانه دند. لیکر گردسنان این دزیولانس سنا رراب دیوگراسک و مدافسریالیسی خلق را سسی سوان سسمر کرد، سنادا رر سنا حاطا سنا حوس ما سب کسده و سبب اسکر حود را خر حسیر سسده شماس سنادا، با لآخره سروری از آن خلق و سخط ار آن مدخلی است.

توده های انقلابی، سازمانهای مترقی و انقلابی

خلق دلاور کردا بسک بسسرا هر زمان دستر احیاح به حاطا انقلابی سنادا رده، سنا وظف هدا رند، بر علیه اعمال حاطا سنا را نه و سیرا سنا بی رژیم در گردسنان، قهرمانا عسرا می سندن کسند، با حاطا سنا مادی و عمومی از حسب خلق، با بیس احبار رجشش مقاومت و افشا کسری حول احبار گردسنان، سوبله سکوت را در هم نکشیم، و توده ها را حول حاطا سنا از حسب مقاومت خلق کسرد برای افشا کسری، نظر هراب و کسکیهای مادی و معنوی، سازماندهی کنیم.

پیروزی خلقهای ایران در کوه و سیمتکی و اتحاد مبارزانی آنان است!
سیرا ربا دیوید سنا رزاسی خلقهای سراسر ایران بر روز ساد سنا رزه حشی طلبانه خلق کسبرد و خلقهای تحت سسم ایران!
سیرا ربا د خود میسنا ری خلقها در جیا رجسب ارسای سسبلی دیوگراسک!
سارمان سگا در راه آزادی طلبند کارکر (کسب گردسنان) ۵۹/۵/۲

بقعه از متحده ۵

روز به روز...
سنا ک ارس می ده تا لالان اوانع در ده کسلیوسسری حاددا سوبت سنده ارا حاصره کرده و سنا اجدا در عت و وحش، سنا حاه زحمتکسان بی دفاع روسا، سوسر سده و در حود ه ۳ نفر را ساد سنا رت خود در آوردند. آنها سنا دسنی آکا ر خود را با زحمتکسان با اعمال وحشیانه ای ما سدن سس سبک به سبک و آلت سنا طلی مردان، بی سده - سیر سنا سس کدا سسند. در اسن حطه سنا کسهای ارس به حاطا سنا از ساداران به سس سروری بر دا حسدا سنا سسری سنا کودک سر خوار هاس سطوی سنا کسها درا رکنده و آنها را وادار به سوقت نمود و سنان دادا که خلق حاددا سنا به سنا و سب میکند!

۵۹/۵/۹ استوبه
مردم دسمنان خود را در رهبر لاسی میسنا سسند در ساد ۹/۵ صبح سورا ی شهر، هات حس بسبب و حسدا سیرا سوبه بسبب سورا م فر بسبی و مسحر ف کردن سنا رراب مردم، اعلام خصن و را هسب سنا میسند، اما سنا در سسرا سسهای اسن مرا بس که سنا سنا سسب سس منظور اسسرا سس سس سسگردا ساداران و ارس سسرا سده بود، مردم را به خلق سلاج دعوت سسوده و آنان را از هجوم ارس سس و با ساداران سس سسرا سسند، اما مردم سسره که متوجه میسوند اسن سنا سنا به سس سسرا سس سلاج آنان بر سنا سده اسب با عسبنا سسنا ارس سس حار ج کسده و حاصره را هسب سنا بی بر علیه سسروه های سسای و بسسمرگان قهرمان خود سسب سسب سسوده اسن سسرت بسبب یکبار رد بسر خلق قهرمان کرد آکا می خو بسس را که در درون مبارزه ای سسب سسنا دست با فدها است، سسنا میبدهد.
در و در خلق قهرمان کرد!
با سسده با دسحس مقاومت گردسنان

به مناسبت ۱۴ مرداد:

جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲)

کودتای ارتجاع محمد علیشاه و خیانت‌های سازشکاران

قیام تبریز و تسخیر تهران

در تبریز کاملاً وضعی انقلابی برقرار بود و انقلابیون مسلح جان برکف با حمایت کامل توده‌های به مبارزات خوددست بخشیده و جنبش انقلابی را به پیش میبردند. آنان چندین بار دسته‌های ارتجاعی حکومت نظیر دسته رحیم خان مرتجع و قشون حکومت محمدعلیشاه و باریکا دقزاق را شکست دادند. در جریان مبارزات

محمدعلیشاه و درباریان مرتجع وی که سرما زشی با "رهبران" مشروطه‌ها شدند و به پیروی از اربابان امپریالیست روسی سیاست سرکوب‌نما مبنی بر برگزیده بودن اربابان آغاز حکومت در تدارک سوطیه و سنک - اندازی بر علیه مجلس شورای ملی و در جهت خفه کردن مبارزات انقلابی در نقاط مختلف کشور و بویژه در آذربایجان میگویند. پس از مدتی محمدعلیشاه رسماً از تانک معزول دعوت نمود تا از خارج بمنظور اشغال مجدد پست وزارت به ایران آمده و ما موربست سرکوبی اما انقلابیون مشروطه خواه را بر عهده بگیرد. از جانب دیگر سازشکاران همچنان سرگرم اخلال در کار انقلابیون و بازداشتن توده‌ها از حرکات انقلابی بودند. با ورود مجدد تانک فعالیست مرتجعینی چون شیخ فضل الله موری افزایش یافت.

انقلابیون در مقابل تانک‌ها و روش‌های سازشکارانه رهبران جنبش مشروطه همچون بهیمنیه‌ها و طباطبائی‌ها مستقیماً به شیوه‌های انقلابی و قهرآمیز مبارزه بر علیه ارتجاع متوسل شدند. در تبریز - دسته‌های فدائیان بوجود آمده و "مرکز غیبی" سرگرم مسلح ساختن مردم بود. کمک‌های انقلابیون قفقاز (سویال دمکراسها) افزایش می‌یافت. اوضاع انقلابی تبریز را کم‌کم بود و مردم قهرمان این شهر به استقبال و پشتیبانی از دسته‌های مسلح مشروطه خواهان و مجاهدین انقلابی آمده‌ها می‌دیدند.

جناب‌ات محمدعلیشاه و مزدوران او با عتسندید مبارزات توده‌ای میگردید. قرار داداً ساتبر ۱۹۰۲ که حاصل توافق میان امپریالیستهای روس و انگلیس بر سر تقسیم ایران بود پیش از پیش چشم امراضات توده‌ای را دامن زد. نوطه‌های دربار با یکا رگیری دسته‌های مزدور مسلح و غیر مسلح بر علیه انقلابیون مشروطه خواه اوج گرفت. در پی این اوضاع و احوال انجمن تبریز که از احیای انقلابی بیگانه‌تری برخوردار بود طی مخا بره‌نگرامی به همه شهرها محمدعلیشاه را تسلطت خلع نمود. این کار از جانب انجمنهای بسیاری از شهرهای دیگر نیز تکرار شد.

بالاخره محمدعلیشاه برای تکمیل سوطیه‌های سرکوب خود بمنظور انجام کودتای مداخلاتی بر علیه مشروطه خواهان به اغا ه رفت و قشون خود را که با ریکاهای فزونی تحت فرماندهی لساخوف در رأس آنها بودند برای تسخیر مجلس کسبل داشت. مجاهدین و فدائیان مسلح و بسیاری از سوده‌های مردم در مقابل مجلس در میدان بهارسان اجتماع کرده و آماده دفاع بودند. اما سناکیان آیت الله طباطبائی همرا عده‌ای دیگر "رهبران" سازشکار به آخا رفقه و با اضرا مردم را معرفی ساختند. در نتیجه هکام سررسدن فراتان ارتجاع سنا عده کمی از مجاهدین مسلح در آنجا باقی مانده بودند و بعد از سرده‌خشی با کربسه عقب‌نشینی کردند. کودتای محمدعلیشاه ساتبران مجلس به سروری رسد و مشروطه خواهان دچار شکست محی گردیدند.

یکی از اقدامات خیانتبار حکومت سازشکاران مرتجع پس از فتح تهران دستور خلع سلاح دسته‌های مسلح انقلابی بود. با خلع سلاح انقلابیون در واقع جنبش مشروطه از مهمترین تکیه‌گاه خود محروم گردید. این تکرار تاریخ است که هرگاه سازشکاران وضد انقلابیون به برکت مبارزات توده‌ای به حکومت می‌رسند بلافاصله در مقابل توده‌ها قذلم میکنند و خلع سلاح عمومی را در دستور قرار میدهند. چنانچه پس از قیام بهیمن ما نیز دولت ضد خلقی سازشکاران بلافاصله به خلع سلاح توده‌های مسلح که با قیام مسلحانه خود بنیان بوسیده سلطنت را و از گون کرده بودند اقدام نمود که البته در این کار موفق نشد.

- تحریک خلع سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسیده بخوبی این واقعیت را نشان داد که توده‌ها تنها به آنکه نیروهای مسلح توده‌ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورد مرا حفظ نمایند.
- انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و نیوسرود و سلطه امپریالیست‌ها را بر میهن ما دست نخورده باقی گذاشت.

بدین ترتیب انقلاب مشروطیت ایران عملاً دچار شکست گردید و قشودا لها و ملاکان و اشراف و روحانیون مرتجع شرایط را برای کودتای ۱۲۹۹ را ضا خان میرپنج فراهم کردند بطوریکه دمکراسی بسیار ناقص و نیم بند حاصل جنبش مشروطیت نیز (که حاصل نتوانی حکومت در سرکوب جنبش بود) سرچیده شد و دیگر توری ضد خلقی رخا نا دور جدیدی از حکومت ارتجاع را پایه گذاری نمود

درس آموزی از انقلاب مشروطیت

جنبش مشروطیت ایران یکی از جنبشهای با شکوه ضد فئودالی - ضد استعماری خاور میانه به شمار میرفت و این جنبش در شرایطی به وقوع پیوست که هنوز طبقه کارگر ایران بطور محسوس با به عرصه وجود ننگدشته بود و جنبشهای دهقانی نیز غالب پراکنده و بدون سازماندهی و برنامه به منظور خود بخودی اتفاق می افتادند بطور ژوژی ملی ایران دچار ضعف تاریخی و از رهبری انقلابی بیوزرو - دمکراتیک نتوان بود. اینها همه با عتسندند تا رهبری مبارزات توده‌ای بدست روحانیون بزرگ، اشراف و... که تنها هیچ مبنای با انقلاب بنده شدند بلکه عمیقاً زگسترش جنبش توده‌ای در وحشت بودند بسیار فتنه. البته در مناطق شمالی ایران، بخصوص در آذربایجان بدلیل تاثیر پذیری از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز بخاطر طرهما جرت و رفت و آمدهای جمعیت زیادی از آذربایجانها بمنظور کار در کارخانجات و بنا در قفقاز روسیه و در نتیجه انتقال سنین مبارزاتی جنبش کارگری روسیه به ایران وضع بر منوال دیگری بود. در اینگونه مناطق رهبران با کفایتی از میسان دهقانان فقیر و زحمتکشان شهری برخاستند و سازمان رهبری مبارزات توده‌ای را در دست گرفتند. بخصوص کمونیستهای دلاوری نظیر حیدر عموا و غلی، علی موسوی و... که غالباً با انقلابیون روسیه و با حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در ارتباط بودند نتوانستند رهبری جنبش مشروطه در آذربایجان را از کف سازشکاران لیبرالها، اشرافها و روحانیون بزرگ بیرون آورده و توده‌های مبارز انقلابی را سازماندهی و هدایت کنند. جنبش مسلحانه و قهرآمیز بر علیه دولت مرکزی اولین بار پیش از هرا در تبریز قهرمانان جوشد و ستاوت ما هوی و آنکار شیوه‌های انقلابی مبارزه با شیوه‌های رفرمیستی و سازشکارانه رهبران دروغین انقلاب مشروطه نظیر بهیمنیه‌ها و طباطبائیها

قهرمانان به شهر تبریز مهاجرتی چون سازشکاران و باقر - خان که از میان توده‌ها برخاسته بودند در توده‌های فراوانی از خود پیروان و دندوا ز محبوبیت سوده‌ای گسترده‌ای برخوردار گردیدند. حمایت میدربسیخ انقلابیون قفقازی و حتی شرکت فعال بسیاری از کمونیستهای قفقاز در عملیات مسلحانه تبریز با عتسندند افزایش چشمگرتوان قیامگران تبریز شدند. دسته‌های فدائیان مسلح به همراهی مردم نتوانستند در داخله بزرگ شهر تبریز را فتح کنند. این واقعیت در تاریخ مبارزات آزادیخواهان خلق از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

قیام تبریز با عتسندند جنبش انقلابی در سایر شهرها و نواحی نظیر اصفهان، خراسان و گیلان گردید. ارتجاع که جنبش تبریز را مرکز انقلاب ایران تشخیص میداد به محاصره اقتصادی این شهر قهرمان دست زد. اما مقاومت جانانه انقلابیون مسلح و توده‌های مردم تا مدت زیادی پیروزه‌ها جمین را به خاک می‌مالیدند. دولتتهای امپریالیستی روس و انگلیس شاه را در انجام نوطه‌ها پیشی تاریخی فراوان میزاندند.

پس از گسترش و تحکیم موقعیت انقلابیون در تبریز و گیلان و نیز تسخیر مردم ما بر نقاط بر علیه حکومت، شرایط برای حمله به تهران و تسخیر پایتخت بهیمنیه گردید. ابتدا این کار توسط فدائیان مسلح تبریز شروع و سپس انقلابیون گیلان و سایر نواحی نیز حرکت خود را بسوی تهران آغاز کردند. آنان پس از نبردهای سخت با قزاقان محمدعلیشاه، بالاخره در ۲۲ تیرماه ۱۲۸۸ پس از شکافتن صفوف قزاقان و اردتهران شدند و مجلس را به تصرف درآوردند. سازشکاران شامل اشراف لیبرال، روحانیون و مجتهدین متنفذ و بسیاری از آنها طی که خود را مل پیروزی کودتای ارتجاع بودند مجدداً با فریبکاری خود را در صفوف مشروطه خواهان جا زدند و در آن فقدان رهبری واحد انقلابی برجایش و عدم آگاهی توده‌ها نتوانستند بروج جدید مبارزات نیز سوار شوند.

پس از فتح تهران بلافاصله حکومت ملاکی - لیبرال، روشنفکران لیبرال و خواریین بختیاری با حمایت وسیع روحانیون مرتجع تشکیل شد. آنان رژیم استبداد فئودالی را دست نخورده گذاشتند و ما شکل انقلاب را حل شده و نمود کردند. آری از نظر این خائنین انقلاب دیگر بهیمنیه‌ها رسیده بود و حتی در آن زیاده روی شده بود!

بقیه از صفحه ۱ فلسطین ...

وامثال او هم می دانند و سگار می کنند و لیبی خودشان کاری جز سواستفاده از این قضیه انجام میدهد پس ما هندارحاجی آنها چنین اقتضاسکند.

اگر به سگار بر سروجه کسم عمق دروغ، تزویر و رسوایی که سران جمهوری اسلامی حول قضیه فلسطین برآه اند آنگاه اند خوب روس می شود:

۱- روز قدس، روز جمعه آخر ماه رمضان، در سال گذشته ارسوی آیت الله خمینی بپشتها دوبرگزارند و هیچ ربطی با مبارزات فیرمانانه خلق فلسطین و سیاسی از اسخ سراسر مردم و خون این خلق دلاورندارد، انتخاب چنین روزی بی دلیل نیست. سران رژیم جمهوری اسلامی عقیده دارند که چون مبارزات خلق فلسطین و انقلاب آن بر مبنای اسلامیت نیست، احلا نماند آرا قبول داشت. توضیح اینکه، انقلاب فلسطین انقلابی است ملی - دموکراتیک و ضد امپریالیستی که میگوید از طریق مبارزه مسلحانه بوده ای، آریش و قدرت دولتی صهیونیستهای نژادپرست را درهم شکسته بربرانه آن، آنطور که خود از سال ۶۸ اعلام کرده اند "جمهوری دموکراتیک فلسطین را که در آن مسلمان و یهودیان و مسلمانان بتوانند آزادانه در کنار یکدیگر زندگی کنند، برپا سازند." آرسوی دیگر، در جنبش فلسطین، حتی در خود با زمان الفتح، عناصر کمونیست هم فعالیت می کنند و سران جمهوری اسلامی با این استراتژی انقلابی موافق نیستند. بهمین دلیل رهبران جمهوری اسلامی از انقلاب فلسطین بپشتپانی کامل و عملی نمی کنند و تلاش می کنند که جبهه های فلسطینی و لیبیانی را از صحنه سردرودمانا بید آری ما هیت انقلاب فلسطین، دموکراتیک و ضد امپریالیستی است ولی رژیم ایران، بیترام هیت خود اینرا دوست ندارد!

۲- در پیام آیت الله خمینی بمناسبت "روز قدس" و نیز در پیام بی ضرور و فسخای و بهشتی و ما حبه چقران بهمین مناسبت در تلویزیون، اگر بوجه کسب کلمه ای از انقلاب فلسطین نمی بیند و همه ما کیده های روی "قدس" بعنوان قبله اول مسلمین و ... است.

۳- سران رژیم جمهوری اسلامی از "مردم مسلمان فلسطین" سخن می گویند و این حقیقت تاریخی خلق فلسطین را که کلیه رهبران جنبش مقاومت و ملت بدون استثنا روی آن تاکید کرده اند که در آن سرزمین مسلمانها و مسیحیان و یهودیان زندگی می کنند منکر می شوند. آقا بان خواب یک انقلاب اسلامی "را برای فلسطین می بینند و سگار می کنند که انقلاب اسلامی را با ید به جهان سوزده فلسطین "مادر" کرد! این خطری است برای وحدت خلق فلسطین که ما تا بقا در مقاومت نیست بدان هندار داده! بم خود فلسطینی ها از تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین بیگنا کند. اسن تعرفه اذاری و مسلمان خواندن یکبارچه خلق فلسطین خدمتی بزرگ به اسرائیل و امپریالیسم امریکانلقی مینود. این نوظنه چندبار از سوی برخی نیروهای ارجاعی منطقه (بطبراً خوان المسلمین) دا من زده شده ولی همواره در نتیجه هتاری خلق فلسطین خنی گردیده است. فلسطینی ها مبارزه تان برای رهاشی سین رادر جها رجب و وحدت ملی دنیا ل می کنند ولی سران جمهوری اسلامی که قمدتان دست انداختن بر جنبش فلسطین و با صلاخ "صدور انقلاب اسلامی" است عمداً وسجوی مودبا به خرته بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین را دا من زده و بدتر از آن، خواسته اند جنبش موضعی را به رهبران مقاومت فلسطین بحلیل کند. البته اسن کوش همواره از طرف مسئولین

فلسطینی که به ایران آمده اند روده است. هانسی - الحسن، سفیر سابق فلسطین در تهران بارها تاکید نمود که یکی از ویژگی ها و افتخارات خلق فلسطین اس است که مسلمانان، دوسا دوس مسلمانان در برابر اشغالگران مقاومت کرده اند. محسن بغداد فایل بوحبی از رهبران و میثولن فلسطین، مسیحی همد ۴- رهبران جمهوری اسلامی، علیرغم ادوصال و ادعای کمک به فلسطین، تا امروز کوچکترین کمک مالی یا سطحی با سلسلی به انقلاب فلسطین نگردانند چندانما همین رو با همه جمهوری اسلامی در صحنه اول خود با نیندر دست بویست: "سران ۳۰ میلیون دلاریه فلسطین کمک کرد!" مسافانه بسیار کم اند کسانی که بداند این خیریکو دروغ بزرگ است، اما حقیقت قضیه چه بود؟

بیوانند با فلسطینی ها در کبر و سوسمان حوس لبنان را علیه مقاومت فلسطین سورا بند و در صفت متحد نیروهای مترقی لیبی و فلسطینی اختلاف سازند از دودر بصفت نیروهای مبارز علیه اسرائیل و دست راستی ها اقدام کنند؟ رژیم ایران آنگدر در حمایت از سازمان امل "سورس را در آورده" که رهبری انقلاب فلسطین علیرغم محافظه کاری هاس را بران خواست تا سازمان امل را از خرابکاری و درگیری با نیروهای انقلاب فلسطین مانع شود. مدارس رده های گذشته سگار، امل و حاسمان آن در هیات حاکمه ایران را بارها افشا کرده ام.

از نظر ما وسوده هائی از خلق که نسبت به مسائل سیاسی و ما هست رژیم آگاهی دارندها هوی "روز قدس"

رژیم جمهوری اسلامی در حرف میگوید: بی خواهیم "قدس" را آزاد کنیم ولی در عمل از اسرائیل مسلسل بوزی خریداری میکند. به سنده (۱) زیر بوجه کنید

بهرتقانی
شهرتقانی
بهرتقانی

لا حقه قانونی راجع به اعتراف جهت خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز
شهرتقانی جدیدی اسلامی ایران

ماده فرامده:
بمنظور تا من سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهرتقانی جمهوری اسلامی ایران، اجازه داده می شود اعتباری حدود مبلغ چهل و چهار میلیون ریال اوهرتقانی بنهذ قاعی وزارت دفاع ملی تا من ودر اختیار ماوتت تسلحاستی وزارت دفاع ملی قرار گیرد تا سته به سفارش سلاحهای سازمانی از قبیل مسلسل رولور اسمت و سن و مسلسل بوزی اقدام و به شهرتقانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود. ب/ب

جدابوالحسن بنی صدر
رئیس جمهور
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

و "جهد برای آزادی قدس" از نوع سواستفاده هاشی است که دیگر رژیمهای ارجاعی نسبت به قضیه فلسطین اعمال می کنند تا مردم خود را فریب دهند در ایران اسلامی هم با صلاخ: "دعوا بر سر لجاجت است" و قدیمی در راه آزادی فلسطین و کمک به انقلاب آن برداشته نمی شود.

در پایان این مقاله، یاد آوری میکنیم که ۲۱ مرداد همانا دست با سقوط اردوگاه فلسطینی تل - الزعتر، شده ها و انقلابیون فلسطینی با مقاومت ۷۰ روزه خود در برابر محاصره نیروهای دست راستی فیلانزیست و رژیم سوریه، حماسه ای جاودانه در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلقهای تحت ستم و مبارزان فریبند.

هر چه گسترده تر با دیوبند میان خلقهای ایران و فلسطین

حمایت از رژیم، چرا که هیت حاکمه میداند خلقهای ایران از سالیها پیش تا کنون خود را با خلق فلسطین همسنگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد صرف تجاوز نگردانند؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنگدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فیلانزیست - های لیبان - در آمده است؟ چرا بجای کشودن پایگاههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقایی چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر



بقیه از صفحه ۱

سرمایه‌گذارهای...

یکی از نقطه نظر شورسک و دیگری از لحاظ واقعیت اقتصادى خاکم بر شوروى .

جرا سوسیال امپریالیسم

به سرمایه خارجی روی می آورد؟

رویزونیستها و از جمله خر و سنجف و برژنف در تحریفات بورژواژى از سوسیا لیسم علمى و با انکسای به تز فدا رکسیستى و اکونومیستى نیروهاى مولده چنین وانمود میسازند که گویا سوسیا لیسم یعنى تولید بیشتر ونا ختمان سوسیا لیستى یعنى تا مین رفساه ما دى مردم . به همین لحاظ رویزونیستها مباحرازه سوسیا لیسم علیه سرمایه دارى و امپریا لیسم را بسه "رقابت اقتصادى مسالمت آمیز" تقلیل میدهند و بر اساس این تحلیل فدا رکسیستى و رویزونیستى نقش تاریخی پرولتاریا را بنا کز بریه تولید بیشتر و رشد نیروهاى مولده محدود میسازند . نقش تاریخی پرولتاریا عینا رت است از استقرار کمونیسم و جا معه بدون طبقات . لیکن پر واضح است که این امر فقط به اتکا تولید بیشتر میسر نخواهد شد . جا معه کمونیستى احتیاج به تدا رکی همه جا نبه یعنى نابودى کلیه مناسبات زیربناى و روبناى کهن دارد . مناسبات اجتماعى کهن فقط از طریق تولید بیشتر از بین نخواهد رفت ، این مناسبات با اتکا به مبارزه طبقاتى و دگرگوشى انقلابى و مداوم مناسبات پوسیده از بین میروند . این مناسبات و آثار روبناى کهن به اتکا بسیج طبقه کارگرو انقلاب فرهنگى تحت دیکتاتورى پرولتاریا از بین خواهد رفت . روشن است که بدون تولید کمونیسم نمیتواند برقرار شود ، ولى مسئله این است که تولید بیشتر به تنهاى بیپوجه نمیتواند جا معه را بسوى کمونیسم رهنمون گرداند .

رویزونیستها رابطه دیکتاتورى نیروهاى مولده و مناسبات تولیدى و نیز زیربنا و روبنا را نمى بینند آنان در دوران سوسیا لیسم مبارزه پرولتاریا را فقط در جهت تولید بیشتر از بین میگیرند و بنا کز بر نقش اساسى مبارزه طبقاتى و مبارزه ایدئولوژیک پرولتاریاى را هرگز نمیتوانند درک کنند . رویزونیستها با افکار بورژواژى و فدا رکسیستى خود چنین وانمود میسازند که از بین رفتن طبقات و برقرارى کمونیسم منوط به رشد نیروهاى تولیدى است ، بحال آنکه این تحریف آشکارا رفا رکسیسم لنینیسم است . در جا معه سوسیا لیستى ، محور مبارزه طبقاتى است و تولید سوسیا لیستى به اتکا گسترش مبارزه طبقاتى و مبارزه علیه بقایای نیروهاى کهن و مناسبات اجتماعى میرنده مکن پذیرا است و بر واضح است که تمام این وظایف فقط تحت دیکتاتورى انقلابى پرولتاریا ممکن خواهد بود .

حال آنکه ما میدانیم با به قدرت رسیدن رویزونیستهاى مرتد خر و سنجف - برژنفى ، آنان با طرح تز ارتجاعى " دولت تمام خلقى " دیکتاتورى پرولتاریا را بنا بود کردند و چنین اعلام دادند که برای برقرارى کمونیسم با بهرچه بیشتر به تولید پرداخته و با بهرچه وسعت به " ایجاد دستىا دما دى وقتى کمونیسم " دست با زید ، رویزونیستهاى خیا نتکار در شرایطى کسبه جا معه سوسیا لیستى شوروى گرفتار رتفا دهاى طبقاتى (۱) - به بنغل از گزارش برژنف به بیست و پنجمین کنگره حزب رویزونیست اتحاد شوروى .

نظامى شدن اقتصاد جهت فروش اسلحه و مسابفات تسلیحاتى در صورت سرما به و غارت کشورهاى دیگر ... مشاهده نمود . اقتصاد دگنوشى شوروى یک اقتصاد امپریالیستى میلیتاریزمى با سندنحوى کتبوده نظامى آن یک سوم کل بودجه سالانه مى سازد و این رقم برابر با ۲۰% در آمد ملی شوروى است . (۲) با سبب افزودن که در سال ۱۹۷۹ بودجه نظامى سالانه شوروى به ۱۳۰ میلیارد دلار بالغ میشود . (۳) بنا بر این حا کمیت قوانین سرمایه دارى براقتصاد شوروى و خصلت میلیتاریزم بودن آن منجر به عوارض منفى و معضلات فراوانى میگردد . ستمگیرى وسیع سرمایه گذار ریهها و تکنیک موجود در این بخش و بخشهاى غیر تولیدى دیگر و نیز استعمار توسط طبقه حاکم منجر به آن میگردد تا بحران اقتصادى افزایش یابد ، یعنى نمونه در طبقه هشتمین برنا مبنجا لسه اقتصادى (۱۹۷۰ - ۱۹۶۶) فقط ۷۰% سرمایه گذار ریههاى بیش بىنى شده برای صنایع کالاهای مصرفى تا مین

- رویزونیستها رابطه دیکتاتورى نیروهاى مولده و مناسبات تولیدى و نیز زیربنا و روبنا را نمى بینند . آنان در دوران سوسیا لیسم مبارزه پرولتاریا را فقط در جهت تولید بیشتر از بین میگیرند و بنا کز بر نقش اساسى مبارزه طبقاتى و مبارزه ایدئولوژیک پرولتاریاى را هرگز نمیتوانند درک کنند .
- امروز سوسیا ل امپریالیستهاى شوروى علیرغم آنکه از تدارک " مادى و فنى کمونیسم " حرف میزنند مجبورند دست گدائى بسوى امپریالیستها دراز کنند ، زیرا این " تدارک کمونیسم " فریبى بیش نیست .

حوزه قاون ارزش و مبادله کالائى استوار نمونند و اصل " سودا وى " سرمایه دارانه را حاکم براقتصاد دگنوشى ساختند . در واقع رویزونیستها جاى ساختن سوسیا لیستى و رشد همگون نیروهاى مولده را به تحکیم مناسبات سرمایه دارى سپردند . آنان برای ایمن امر نه تنها به بسیج نیروهاى بورژواژى داخل کشور همت گما شتند بلکه همچنین تکنولوژى و سرما به و وام خارجى را وثیقه رشد سرمایه دارى در شوروى قرار دادند . رویزونیستها به اتکا دبه فدا رکسیستى و اکونومیستى خود بیا توجه به نیازهاى رشد سرمایه دارى در شوروى نه تنها قوانین اقتصادى بورژواژى را بطور فعال حاکم براقتصاد نمودند ، بلکه علاوه به سوسیا لیستى دست نیا زدرا کردند . زیرا از زمان حا کمیت بورژواژى نوین اقتصاد شوروى تغییر ماهیت داده و دیگر نمى توانست در جهت بر آورد ها ختن نیازهاى همه جا نبه طبقه کارگرو توده ها حرکت کند . این اقتصاد را آنجا که با اصل " سودا وى " هر چه بیشتر " به گردش در آمده بود نمیتوانست به ختن قضا ت درونى و بحرانى نیا نجا مد اصل سرمایه دارانه " سود هر چه بیشتر " رتفه هاى تولیدى را به ستمى سوق میداد که " سود هر چه بیشتر " تا مین شود . بورژواژى نوین دیگر به نیازهاى پرولتاریا و ضرورتهاى ساختمان سوسیا لیسم نمى اندیشید ، و در پی کسب سود هر چه بیشتر بود و با لطمع این امر سرمایه گذار ریهها را به سوسیا لیستى و غیر تولیدى سودا وى میکشاند .

یکی دیگر از عوارض اقتصاد دگنوشى شوروى و خصلت نظامى بودن آن وخیم شدن اوضاع مالى ایمن کشور مى باشد . استعمار و غارت طبقه حاکم ، هزینه هاى سنگینى غیر تولیدى و مخارج وسیع امور تسلیحاتى سوسیا ل امپریالیسم شوروى فرا ترا از ظرفیت اقتصادى آن است و به همین خاطر با ندمرتد بر ژنف مجبور میگردد تا نزد امپریالیستهاى دیگر دست گدائى دراز کند و وام و اعتبار و تکنولوژى خود آنها را به کمک خود بگیرد سوسیا ل امپریالیسم شوروى در عین حال که بسه کشورهای دیگر سرمایه دارى میکند و بیفارت خلقهاى تحت ستمى پردازد ، خود نیز بدلیل فوق سرما به ها و وامهاى خارجى را دریافت میکند . اگر بدهى خارجى شوروى در سال ۱۹۷۵ به ۸ میلیارد دلار میرسد در حال حاضر این رقم به ۱۷ میلیارد دلار بالغ میشود . به علاوه

- (۲) - منبع آمار : " اسناد جنبش کمونیستى بین المللى " ژانویه ، فوریه ۱۹۷۶ ، شماره ۷ چاپ فرانسه .
- (۳) - منبع آمار : مجله " آلبانى امروز " ۱۹۷۹
- (۴) - منبع آمار : " اسناد جنبش ... " به علاوه با سبب اضافی که در سال ۱۹۷۸ (شماره ۴) شوروى از آمریکا و کانا دا نا طسى سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ بمیزان ۱۴/۸ تن غلات و طی سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ بمیزان ۱۵ میلیون تن غلات وارد کرده است . این واقعیت ادا معبحران کنا و رزى در ایمن کشور را به شما یش میکند .

کسر موازنه تجارت ثوروی با کشورهای امیریا لیسنی غرب با آهنگ زیادی توسعه می یابد. سخنوی که اگر دریا بان سال ۱۹۷۷ این کسری بودجه برابر ۱/۵ میلیارد دلار بود این رقم در سال ۱۹۷۸ به ۳/۴ میلیارد دلار رسید و پیش بینی می شود مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار دیگر به رقم اخیر اضافه گردد. (۵)

سرمایه های آمریکایی در اقتصاد ثوروی

واقعتهای فوق تنها بیان این حقیقت است که سوسیا لیسمد در این کشورنا بوده است، بلکه علاوه این مطلب را روشن می سازد که اقتصاد ثوروی گرفتار یک بحران اقتصادی می باشد. رویزونیستها بدروغ صحبت از ثورکوفائی "اقتصادی" ثوروی می نمایند ویر آمدن کمونیسیم خرزنجفی را اعلام میدارند. لیکس واقعیتها نشان میدهد که این "ثورکوفائی" همان اقتصاد سرمایه داری بحران زده است و این "کمونیسیم" همان سیستم استعمارگرانه سرمایه داری می باشد. امروز سوسیا ل امیریا لیستهای ثوروی علی رغم آنکه از تدارک "مادی" و حتی کمونیسیم "حرف میزنند مجبورند دست گذاش بسوی امیریا لیستهای دراز کنند. زیرا این "تدارک" کمونیسیم "فرضی" بیش نیست. آنان که دیکتاتوری پرولتاریا و استعمار سوسیا لیسمد در ثوروی لیسنی و استالینی را بنا بر آورده اند، آنان که امروز گرفتار معضلات اقتصادی اجتماعی گوناگون بوده و در همین حال در پی رقابتهای تسلیماتی و جنگ ... افروخته به پیشتری می باشند به درگاه امیریا لیستهای چپا بخوار دیگر ثوروی آورده اند و این امیریا لیستهای علی رغم تمام تفاوتهایشان با سوسیا ل امیریا لیسمد آن اطمینان خاطر را دارند که سرمایه های سودا و خرود را در ثوروی به گردش در آورده اند. در حال حاضر سرمایه های آمریکا، اروپائی و اروپائی در بخشهای مختلف حیات اقتصادی ثوروی در گردش می باشند و طبقه کارگر و دیگر خرزنجفگان ثوروی علاوه بر آنکه توسط بورژوازی جا کم استعمار می شوند توسط امیریا لیستهای دیگر نیز غارت میگردند. حال بسینیم نمونه های از این غارت توسط امیریا لیسمد چپا بخوار آمریکا کدامند؟

سوسیا ل امیریا لیستهای ثوروی با او مو اعتبار امیریا لیستهای آمریکا یعنی در KAMA (یکی از شهرهای ثوروی) یک کارخانه اتومبیل سازی به ارزش ۱ میلیارد ۶۰۰ میلیون دلار ساخته اند. در ۱۹۷۳ موسسات امیریا لیسنی آمریکا یعنی بنا مهای "El Pasagos" و "Occidental petroleum company" در مسکو قرار دادی امضا نمودند که بر طبق آن در سبیری جهت یک خط لوله گاز سرمایه گذاری نمایند. این سرمایه گذاری به ۲ میلیارد دلار میرسد و این لوله گاز ۳۰۰۰ کیلومتری گاز "یا کوتی" Yakoutie را بمدت ۲۵ سال تامین میسازد.

بنا به گفته مجله "آلبانی امروز" (مورخه ۱۹۷۹ - (۴۶) شماره ۳) در حال حاضر ۸۰ شرکت آمریکا در بخشهای تولیدی اقتصاد ثوروی فعالیت می کند. علاوه اخیرا یک شرکت آمریکا برای تولید اتومبیل صنعت اتومبیل یک قرارداد با ثوروی امضا کرده است که مبلغ آن قرارداد به ۲۷ میلیارد دلار میرسد. و نیز همین شرکت برای ایجاد یک کارخانه جهت تولید اتومبیل در "الکیر" (ناجیکستان) مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری نموده است.

(۵) - ارقام از "آلبانی امروز" همان شماره

سرمایه های امیریا لیسنی غرب در پی نفوذ هر چه بیشتر در ثوروی می باشند و وجود تسهیلات و امکانات مناسب برای سرمایه های خارجی آنان را تشویق می نماید تا در رشته های متعدد و در ابعاد گسترده ای سرمایه گذاری نمایند. برای رسیدن به این هدف سوسیا ل امیریا لیستهای اکثر زمین را فرا هم ساخته اند تا امیریا لیستهای دیگر به استعمار روحیانه طیفه کارگر و دیگر خرزنجفگان ثوروی نیردا زبند. در همین ارباط باید گفت که در حال حاضر رویزونیستهای ثوروی برای ۲۸ پروژه جدید سرمایه های خارجی رجوع کرده اند، از جمله برای مجتمع پتروشیمی Tomak سرمایه داران جهان را بخوار آمریکا بسران

● رویزونیستها به اتکا دید ضد مارکسیستی و اکتونیسیتی خود و با توجه به نیازهای رشد سرمایه داری در ثوروی نه تنها قوانین اقتصاد دیورژوائی را بطور فعال حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه علاوه بسوی امیریا لیستهای دانت نیاز را زکردند.

● آری، ثوروی استالین بدون وام و سرمایه امیریا لیسیتی اقتصاد سوسیا لیسنی نیرومند را تریا کرد و لسی ثوروی بزرگف خاغن درسی آنست تا با اتکا به او سرمایه های امیریا لیسیتی کونیسیم (!؟) را بریادارد.

دنا ۱ میلیارد دلار سرمایه گذاری نمایند. اضافه یک دولت ضد خلقی ثوروی جهت تولید اتومبیل شرکت آمریکائی Corporation Occidental petroleum قرار دادی منعقد نموده که بر طبق آن سرمایه گذاری این شرکت به ارزش حدود ۲۰۰ میلیون دلاری رسد. و نیز ۷۷ شرکت آمریکائی جهت استخراج گاز طبیعی منطقه "اورانگو" (Urengo) سرمایه گذاری نموده اند و میبند شده اند تا مجموع عمیلات استخراج با استخراجا بعهده بگیرند. (منبع آمار و ارقام همانجا)



موارد ثوروی به روشنی نشان میدهد که سوسیا ل امیریا لیسمد ثوروی در برابر سرمایه های خارجی سیاست درهای بارز اتخاذ کرده است. سوسیا ل امیریا لیستهای تبلیغاتی و رویزونیستی و عوام فریبانه ای مبتنی بر "تدارک" پایه های کمونیسیم" بر اه انداخته اند. حال آنکه بس تبلیغات دروغ بیشرمانه ای پیش نیست. "کمونیسیتی" که با تکنولوژی و سرمایه های امیریا لیسنی بریسا میگردد، نه کمونیسیم راسین بلکه کمونیسیم دروغین است. در زمان رفیق استالین بریسا به برنا مهای اقتصادی سوسیا لیسیتی، ساختهان سوسیا لیسمد پیروز میماند نه به پیش رفت و این امر بزرگ زمانی صورت می گرفت که ثوروی علاوه بر اینکه سوسیا لیسمد و سوسیا لیسمد و هنوز از لحاظ رسد سروهای سولیدی و تکنیک پیشرفته نبود، از هرگونه سرمایه خارجی سیر محروم بود.

در با ربحه محصر حرب لیسوک در با رهنا خصمان سوسیا لیسمد وضعیتی کردن سوسیا لیسنی ثوروی چنین می آید: "مطم است که چنین خاصان اساسی بزرگ بدون صرف میلیاردها پول امکان پذیر نبود. بسه و امهای خارجی بمسدا میسند... کشورهای سرمایه داری معمولاً صنایع سنگین خود را به حساب وارد کردن سرمایه از خارج یعنی بسویله عارت مسعمرات، بسویله احداث مات جنگی از ملل مغلوب و بسویله وامهای خارجی با سس می نمودند. کشور خورا ها اصولاً نمی توانست برای بدست آوردن وسایل صنعتی کردن کشور به این گونه منابع چرکس مانند غارت ملل مسعمره یا مغلوب منوسل شود و ما موضوع وامهای خارجی، این منبع برای ایجاد ثوروی مسته نبود، زیرا که کشورهای سرمایه داری از دادن وام بهوی امتناع داشتند. میبایستی این وسایل را در درون کشور فرا هم ساخت. این وسایل در انا ثوروی فرا هم شد. در انا ثوروی چنان منابع

متر اکتی پیدا شد که در هیچ یک از کشورهای سرمایه داری نظیر آن دیده نشده است. بدین ترتیب می بسیم که پرولتاریای ثوروی با اتکا به بسوی خود و سخت رهبری بلشویکها و رفیق اسالین، کثارت وری و صنعت مدرن و تکنیک جدید را وسعه داده و با اتکا به امکانات و منابع ملی تولید و امتداد ثورکوفان سوسیا لیسنی را مسخک ساختند. پرولتاریا سخت هدا یب حزب بلشویک با اتکا بسه دیکتاتوری پرولتاریائی روسه را از ثوروی عقب مانده به ثوروی مستقل و سروسند، کسوری با آهنگ اقتصادی بر قدرت و کسوری سوسیا لیسنی و پیروز میسند تبدیل نمود. آری ثوروی اسالین بدون وام و سرمایه

امیریا لیسنی اقتصاد سوسیا لیسنی نیرومند را تریا کرد و لسی ثوروی بزرگف خاغن درسی آنست تا با اتکا به او سرمایه های امیریا لیسیتی کونیسیم (!؟) را بریادارد.

امیریا لیسنی اقتصاد سوسیا لیسنی نیرومند را تریا کرد، ولی ثوروی بزرگف خاغن در پی آنست تا با اتکا به او سرمایه های امیریا لیسیتی کونیسیم (!؟) را بریادارد. ثوروی بزرگف خاغن در پی آنست تا با اتکا به او سرمایه های امیریا لیسیتی کونیسیم (!؟) را بریادارد.

کسانی که ادعا دارند که ثوروی یک کشور "سوسیا لیسیتی" است باید بگویند که آن در ثوروی بحران در کثارت وری، صنعت، در ا مورالی پدید آمده است. این اتفاقی می باشد؟ آیا سرمایه گذاری امیریا لیسنی امری است که ما مطلوب یک واقعیت می باشد. این واقعیت عبارت است از کاهش بورژوازی و وجود اقتصاد امیریا لیسیتی در ثوروی. بحران در اقتصاد ثوروی مغلوب ما هب بورژوائی اقتصادی حاکمی می باشد. این واقعیتی است که با صدای رسا باید بیان داشت. برای پرولتاریای جهانی حاکمیت رویزونیستمد را بسودی دیکتاتوری پرولتاریا در ثوروی ضربه ای بزرگ بودلی امروز که در برابروا خصم سوسیا ل امیریا لیسمد قرار گرفته ایم پرولتاریا و سوسیا لیسمد کمونیستهای راستین باید بگویند که چهره واقعی آن را برملا سازند. رویزونیستها و ارجله حزب نموده خاغن و ارمان چرکهای فداشی خلق (اکبریت) و سرجریا با بدیدا منزلزل در برابرو رویزونیستمد ما سب "راه کارگر" شکستنا و تعیضا را در گروگوسه جلوه دهند و سوسیا ل امیریا لیسمد سوسیا لیسمد حاکم برسد. این تبلیغات بر ضد پرولتاریا و انقلاب پرولتاریائی می باشد. این تبلیغات با به آسب به سوسیا لیسمد و رویزونیستهای ثوروی بلکه امیریا لیسمد و ارجاع جهاسی سیر میسند. در خصم و رویزونیستها، سوسیا ل امیریا لیسمد را بسا به سبیل کمونیسمد جلوه داده و بدین طریق می گویند که پرولتاریا و خرزنجفگان جهان بسبب سوسیا لیسمد استعمار دکنده، و لسی کارگسب لیسمد های جهان و در انا کسوسیهای مینن ما با بدیدا صدای رسا حضرت را اعلام میکنند آیا با بدیدا ما میروگوسه که ثوروی امروز یک کشور سوسیا لیسنی است و برای سوسیا لیسمد سبک علیه سرمایه با بدیدا داده اند.

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاهوهای شیخ محمد منتظری

حق شناس: "محمد منتظری با فحاشی به من، درماندگی خود و طبقه و ایدئولوژیش را نشان میدهد"

مجلسه "پیاپا انقلاب" راگان سیاه ساداران مورخه ۷ مرداد جاری براساس وظیفه‌ای که در خدمت بیست و شش ساله خلق داربدار برخی از "نودولتان" جهشوری اسلامی منجمله شیخ محمد منتظری به "مصاحبه نشست" و علیه سا زبان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی کمونیست به نشر فحاشی و اتهامات سراسری دروغ پرداخته است. اقدام این آقایان حلقه‌ای است از سلسله توطئه‌هایی که بورژواها و خرده بورژواهای عقب مانده و ضد انقلابی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان میهن ما تدارک می بینند.

وجود مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی جنبش کمونیستی برای قدرت حاکمین است به خاری در چشم و استخوانی در گلو است و بدجویری حضرات را به سرفه‌ای خفگان آورده است. آخر خوردن این نیروها سهل نیست. این لقمه گلوگیر است و از همان فردای قیام، بورژواها و خرده بورژواهای بقدرت رسیده را به نا بودی تهدید کرده است. آنها دیوانه‌وار در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان، در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و ضیاع‌ها با نیروهای انقلابی را مورد یورش قرار داده اند و ولی غالباً نتیجه معکوس گرفته اند. مسلمان دهنی آنها بلای جانشان خواهد شد زیرا نیروهای انقلابی، زحمتکشان و توده‌های آگاه شده خلق را با سرکوب و زور و فریب نمیتوان از میدان بدر کرد. ما به پیروزی توده‌های زحمتکش اطمینان کامل داریم چرا که این حکم تاریخ و مبارزه طبقاتی است.

باد! - تکیه زده است. مصاحبه‌ای با مجله سیاه ساداران ترتیب داده و طی آن هرچندی که بیضا نش آمده، فارغ از ذره‌ای حیا و بدورا زیک جوانان ف و با کینه طبقاتی خود نشا ر سا زمان مجاهدین و رفیق تراب حق شناس (که چندین سال براساس موضع طبقاتی و بیست سال سابق خود عضویت آن سا زمان را دارا بوده) نموده است.

شاید برای برخی عجیب بنمایند که چطور کسانی که این چنین "جلوه سرعزاب و منبر میکنند" و بیوسته از اخلاق و صدق و راستگویی حرف میزنند و در مذمت دروغ گوئی و تهمت داد سخن میدهند وقتی پای عمل بیست میا ییدرست خلاف آن رفتار میکنند. اما سطر ما عجیب نیست زیرا اخلاق محتوای طبقاتی دارد. سرما به داران و خرده بورژواها پس از کسب قدرت، چاره‌ای جز این ندارند که به یکبار همه تمام اصول و مفاهیم اخلاقی را که تا کنون از آن دم میزدند، در راه حفظ منافع طبقاتشان زیر پا بگذارند و دست خود را بیش از پیش رو کنند.

برای خلق با زکوبد. اینک آن مصاحبه سوال: رفیق شما چگونه اطلاع داربد در چارچوب حمله ارتجاع به نیروهای انقلابی و کمونیستی، مجله سیاه ساداران، مصاحبه‌ای با شیخ محمد منتظری ترتیب داده‌اند و در صحبت‌های خود آنها ملامت زیادی به شما و مجاهدین زده است. لطفاً روابط خود با سا زمان مجاهدین خلق را در سالهای گذشته و روابطی که در نجف با آیت الله خمینی و برخی از طلاب مبارزان سالها داشته‌اید برای خوانندگان ما توضیح دهید.

جواب: چون هدف از این حطات و بیایک طبقه‌ای حمله کنندگان و ما هیسان و وحشی که از رشد نیروهای کمونیستی و انقلابی دارند با رها از طرف سا زمان و در هفته نامه "پیکار" بحث شده، بهیتر است بدون مقدمه به پاسخ سئوالات شما بپردازم:

از بیست سال عمر مبارزانی من، چیزی بیشتر از ده

- چرا آقای منتظری وعده‌ای دیگر از اصطلاح روحانیون مبارز سالهای گذشته، از مجاهدین و حتی کمونیست‌ها پشتپانی میکردند ولی حالا که به قدرت رسیده اند اینقدر وقیحانه پاپوش می‌دوزند، لجن پراکنی می‌کنند و دروغ می‌یافتند و تهمت می‌زنند؟!؟
- هرکسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر گریج و بلا تکلفی و هر خرده بورژوا و هر شکسته‌ای که در نتیجه ناآگاهی و توهمات توده‌ها، اکنون به قدرت خزیده است سر را بلند کرده و برای کوبیدن میخ انقلابیگری خود لجنی را به سوی کمونیست‌ها و مجاهدین خلق پرتاب می‌کند. اما مگر می‌شود حقیقت را بسا دروغ و لجن پوشاند؟!؟

بدنبال نطق کمونیستی و صریحاً "مجاهدین آیت الله خمینی در چهار مرتبه گذشته که جزئی از برنا مسه وسیع هیات حاکم برای سرکوب کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی بود، بسیاری فرمت را غنیمت شمرده و کوشیدند با حمله و اتهامات و دروغ هر چه بزرگتر گوی سبقت را در خدمت به دشمنان انقلاب و میریالیسم آمریکا از یکدیگر بریابند. علاوه بر روزنامه جمهوری اسلامی که چندین موضعگیریها "افتضاحی طبیعتش" میباند آقای دعاشی سرپرست فعلی روزنامه اطلاعات، هاشمی رفسنجانی، آیت الله ربانی و آیت الله منتظری و مشکینی و بالاخره شیخ محمد منتظری هر یک به فراخور موقعیت خویش در این کارزار ارتجاعی شرکت جستند و آنها ملامت دروغها و تحریفات آنان با رها و بارها از را دیوتولوژیون، پخش و در مطبوعات درج گردید.

در پاسخ به سخنان آیت الله خمینی و تحریفات آشکاری که علیه نیروهای انقلابی، مجاهدین خلق و بویژه دونفر از رفقای ما (حسین روحانی و تراب حق شناس) که در سال "هشتاد و نه" نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در نجف با آیت الله نما س گرفته بودند وجود داشت. ما پاسخ مفصلی تهیه کردیم که مقدمه آن در پیکار ۱۶ چاپ شد و او مدتی بخاطر برخی گرفتاریها و اشکالات فنی به تاخیر افتاد.

اخیراً شیخ محمد منتظری هم همانطور که در ابتدای این سخن گفتیم در مصاحبه‌ای با مجله سیاه ساداران مورخه ۷ مرداد به با و گوئیهای وقیحانه - ای پرداخته و مشخصاً رفیق تراب حق شناس را مورد حمله‌های نا جوا نمرده‌انه خود قرار داده است. در ایسن باره با رفیق به ما حبه نشستیم تا حقیقت قضا یسار

ز روز چهار مرتبه که آیت الله خمینی طی یک سخنرانی مریختر از بیست مجاهدین خلق را مورد اتهام قرار داد و دو حشر رژیم خا کمر از رشد روز افزون نیروهای انقلابی بیشتر آشکار کرد، حمله به نیروهای انقلابی و نشا رسیل تهمت‌ها و دروغ‌ها ی وقیحانه به کمونیست‌ها و انقلابیون خستگی نا پذیر سالهای خفگان افزونتر گشت. هرکسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر گریج و بلا تکلفی و هر خرده بورژوا ی محافظه‌کاری که در نتیجه ناآگاهی و توهمات توده‌ها اکنون به قدرت خزیده است سر را بلند کرده و برای کوبیدن میخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیست‌ها و مجاهدین خلق پرتاب میکند. اما مگر میشود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند؟!؟

آقای شیخ محمد منتظری، عزیز در دانه جمهوری اسلامی، ولیعهد زده محترم ولایت فقیه، هفت تیرکش روزهای پس از قیام، که چون عضو شورای مرکزی حزب حاکم و فرزند فقیه عالیقدر بود از هر گونه تعرضی در جمهوری اسلامی و جامعه "عدل علی" معون ما نذوق فقط از سوی پدر خویش به داشتن اختلال حواس و روانی بودن موصوف گشت (۱) و امروز بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی - که تا می‌است تاسیسته و از زانیشسان

(۱) - البته آقایان حاضر نیستند حکم این "قضیه" را که "ولایت" هم داربد در مورد خودشان اجرا کنند و شیخ محمداً سفید دیوانه بشما آورند. آخر ما هیبت مبتنی بر تبعیض دادگا و بویژه معصمین و احکام "خلق لباس" سو پیشینه تاریخی این نظام اسلامی است و چسبون داغ تنگ بر پیشانی این رژیم می‌ماند.

نوشته در پیگار ۶۱ منتشر شد و دنبال آن نیز که مشخصا به ملاقاتها و تماسهای من و رفیق حسین روحانی به عنوان نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در آن سالها با آیت الله خمینی پرداخته است منتشر خواهد شد و در اینجا لزومی به تکرار آنها نمی بینم. البته مطالبی هم در رابطه با خود سازمان مجاهدین خلق وجود دارد که با سخ به آنها در صلاحیت خودشان است. در پاسخ به سوال شما تا آنجا که فرصت باشد ماده هشتم که به خزعبلات و وزوای نا جوانان و نه و وقتخانه آقای محمد منتظری نماینده مجلس شورای اسلامی اشاره کنیم و اضافه می نمایم که به توجه به سوابق آشنائی او با مجاهدین و بویژه با من در آن سالها گمان نمیگردد که او با چنین سرعتی استخاره شده باشد لکن که متعجبین بورژوازی و تجار با رزوا رودشمنان طبقه کارگر برای نیل به مقصود، به هیچ امتیاز حفظ قدرت خود پایبند نیستند و هدف برایشان وسیله را توجیه میکنند. سوال: آشنائی شما با محمد منتظری چه زمانی بر میگردد؟ در گذشته او وظایف شریک چه میکردند و چه نظری نسبت به سازمان مجاهدین خلق - که شما عضو آن بودید - داشتند و روابطشان با شما چگونه بود؟ آیا موضوع خصمانه کنونی را در گذشته نیز داشتند؟ موضوع شما در قبال آنان چه بود؟ جواب: من آقای منتظری را برای اولین بار در سال ۵۱ در نجف، در منزل آقای دعاغی (سرپرست فعلی روزنامه اطلاعات) - که در آن زمان در سیاحت سازمان بود - دیدم و تماس و همکاری نزدیک بین ما که تا پنده سازمان مجاهدین بودیم و او که از جمله چند طلبه با صلاح روشن و مبارزان سالها بودند سال ۵۴ ادا شده است. شهادت و قربانیهایی با بقا نمانی و ایدئولوژیکی بین ما و آنها همکاری فیما بین راهپیمای میگرد. طرفین دولایه از خرده بورژوازی تحت تسلط ایران را نما بندگی میکردیم با این تفاوت که ما به سمت زحمتکش ترین اقشار خرده بورژوازی و طبقه کارگر جهت گیری داشتیم و لاجرم ایدئولوژی و انقلابی تر بودیم و بطولها مبارزه مان در حد قابل توجهی سازمان یافته بود و ایدئولوژی مان از ایدئولوژی لیبرال فیکتوری بر خوردار بود و صورتیکه آنها بشدت دچار رنجی و سردی - کمی و بی تشکیلاتی بودند و علت روی آوردن و تائید و همکاریشان با ما آن بود که ضعف و پاسیویم و در مانده گی خود را در حضور فعال و متشکل ما در پهنه مبارزه انقلابی با رژیم شاه ایران شده میدیدند و به عبارتی دیگر آن شورمبارزان و قاطعیت انقلابی را که رزودا شنیدند وجود ما مجسم میدیدند و آنکه خود طرفیت جنبش قاطعیت و شوری را داشته باشند، آنها فرصت طلبانسه - علی رغم اختلافاتی که در برداشت ما و آنها از اسلام وجود داشت - نیا ز من نبودند جنبش و انمود کنند که "اسلامیها" هم میتوانند مبارزه انقلابی کنند و تشکیلات داشته باشند و میدان در انحصار کمونیستها (در آن زمان فدائیان خلق) نیست. در واقع یکی از علل سمپاتی آنها به ما موضع ضد کمونیستی شان بود! از سوی دیگر محیط وسیع مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه در آن سالها و ترکیب طبقاتی نیروهای انقلابی حاضر در صحنه طوری بود که تمام اقشار خرده بورژوازی از جمله خرده بورژوازی مرفه سنتی در جبهه واحد علیه دشمن مبارزه میکردند.

حالا که آقای منتظری و دیگر خرده بورژوازیهای وابسته و بورژوازیهای بازاری (نیز) بقدرت رسیده اند برای حفظ قدرت خود و در راه مبارزه با نیروهای که

انقلاب را نتیجه شما میداند و در راه پیروزی طبقه کارگر همچنان به مبارزه ادامه میدهند، آن همکاران و وحدت خدا میرا لیبستی گذشته را فراموش کرده در دفاع از مواضع راست و ارتجاعی خود به لجن مال کردن مجاهدین و کمونیستها دست میزنند. محمد منتظری در مصاحبه اش میگوید که از همان اول کتابهای مجاهدین را کتابهای اسلامی نمیدانسته بلکه آنها را "کتابهای مارکسیستی یا لیبالی" تلقی میکرد. است. باید از ایشان پرسید پس چرا شما چند نفر - که تعدادنا به شما را نگشتن یک دست نمیرسد و همه "صحاب آیت الله خمینی" را تشکیل میدادند نقد به صرف شما ستان با ما پیش این و آن افتخار میکردید؟ چرا شما حتی دو سال پس از انتشار کتاب شناخت همچنان در بسیاری از امور از ما نظر خواهی و مشورت میکردید؟ چرا با آنکه آیت الله خمینی ما را تا شنیدند بود فعلی لیبسین فردا ز شما یعنی آقای دعاغی سمپا نیز ان فعال شکلات ما بود و ما موریتها و فعلی لیبسین را حتی از آیت الله خمینی ب مدت چند سال مخفی میداشت؟ مگر شما نبودید که در سال ۵۳ زمانیکه برای اولین بار طی آن سالها توانسته بودید چند صفحه لیبی کبی اخبار مبارزاتی داخل ایران را تهیه و بیخش کنید متخما (در آن زمان مجاهدین خلق) را مورد پشتیبانی قرار دادید؟ چرا در کلیه فعلی لیبسینا - که امروزه باستان "نابندانی" شده و آنها را با ذکر و تحویل مردم نا آگاه میدهد - از ما کمک میگردید؟ از تهیه مطالب تبلیغی گرفته تا تاپ زدن و نامین روزنامه ها و اخبار ایران و متخفنا مشورت در راه گرفتن یک ایستگاه رادیوئی خاص برای روحانیت مبارز؟

اگر با دانا کست از آقای دعاغی که احتمالا حافظه شان از ما قویتر است - پرسید که حتی ما در آن ایستگاه رادیوئی را - که چند ماهه در او خراسان ادا شده است - من انتخاب کردم و آقای دعاغی تا آخر ۵۳ نشریه خبری مجاهدین را ما هم که مال از آن زادین میخواند و نوشته های مرا (که ز سال ۴۹ مرتب برایش مینوشتم و البته همگی ملهم و مرمون آموزشهای سازمانی بود) با رها و با رها طی تقریب ۴ سال چند رادیوئی داد و چه در ایستگاه رادیوئی خاص "روحانیت مبارز تکرار میکرد، اینرا اما فکرم که آنچه که گفتیم جزئی است تا چیز از همکاران ریبای متقابل که بین ما و عده ای از جوانان مبارز در آن سالها ادا شده است. این فعالیت مشترکی بود علیه دشمن مشترک و ما اینرا وظیفه خود میدانیم. آقای منتظری (و سربا) در صف مقابل زحمتکشان و نیروهای سمرنیستی و انقلابی قرار گرفته است آنقدر در فرصت طلبی غرق است که در مانده گی، گنجی، سردرگمی و استیمال خود و همفکران خویش در آن روزها را فراموش میکند و ایتادش میبرد که با چه احساس نیاز و احترام و جتی گرنش خود بورژوازی به مانگاه میگرداند. آقای منتظری شما بیادار که در سال ۵۱ وقتی به نجف آمد ما ده کرده که در جرح و حوش آیت الله خمینی حتی یک هفته چند نفری از طلاب مبارز وجودندار! او بسیار رکوشید بلکه چند نفر طلبه مبارز موجود را بنحوی سازماندهی کند ولی نتوانست! همان سه چهار نفری که آنقدر گرفتار خود خواهی های بیگانه نبودند و آنقدر بر سر آنکه چه کسی، مثلا اعلامیه مجاهدین یا دیگر نیروهای مبارز را برای زودتر از دیگری به دستش برسد و خود را دارای روابط با آنها معرفی بکنند با هم اختلاف داشتند که اصلا ایشان به یک جوی سمری رفت، تا بدایشان فراموش نگردید با شند که از من خواستند برای صحبت کردن و رفع اختلاف بین خود و آقای دعاغی (که حالا

از اعضای دفتر ما است) به نجف بروم و در منزل آقای بنا مضمین شیرازی با حضور هر سه نفر مان ندید از آنها انتقاد نکردم و گفتم "شما باید خجالت بکشید که جنبش اختلافاتی کودکانه در این شرایط حساس مبارزه دارید" آقایان ظاهرا تحت تاثیر قرار گرفتند. ولی عملا هر کجا میبراه خودیبتنها را ادا میدادند، راستی که آب سیرالونه است که آواز او عطاغی مبین ما را بر کرده است! آقای منتظری اگر راست میگوید که ما را در آن روزها با صلاح منحرف میدانسته است چرا دونفر از دوستانش را در عراق برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما چندین ماه آنها را در کنار افراد خود مان در پایگاه ویزه ای که از فلسطینیها گرفته بودیم، آموزش دادیم؟ چرا فراموش میکند که غن نفر دیگر از دوستانش را در سال ۵۴ در سوریه برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما یکی از رفقا مان را به عنوان مسئول آموزشی و حمل و نقل کارها ساری در یک پایگاه فلسطینی تعیین کردیم؟

آقای منتظری امروزه مجاهدین و کنا بیوا نظرات آنها را میگوید ولی فراموش میکند که خود ساری کبر سال ۵۴ تعداد قابل توجهی از کتابهای اولیه سازمان یعنی دفاعات سید سعید محسن و علی مبین دوست و شناخت و انتما در بیان ساده و... برای ارسال به داخل از ما خواست، و بالاخره اکرا ورا استکواست چرا با همان سال ۵۴ حتی برخی امکانات نظریه سیرالونه پاسورب حنفی را بطور مفصل در احرام فراموش دادیم؟ بعدها مسئله سیرالونه و ایدئولوژی و اعلام مواضع مارکسیستی یکی از سازمان مطرح شد که به کلیه جنبه های مثبت و منفی آن در تحلیل های خود مان به تفصیل پرداخته ام. اما آقای منتظری سیرالونه حتی پس از اعلام مواضع در اوائل سال ۵۵ همچنان نشریه های خبری ما برای حضرات در صحت حال بر چه بود (اینرا مرحوم ملائی که از خود مان بود در دمشق به من گفت و خواستار ادا به ارسال آنها شد و اینرا سیرالونه منتج خبری از داخل دانست.)



ادامه این مصاحبه در شماره آینده خواهد خواند

شماره دوم ۱۶
۵۹ اسفند ۱۳۳۷

کارگر و برخی از سازمانها و جوزه های کارگری - جوشی و حقوقی و استه با سازمان بیگانه بر سر رسید و برخی از آنها فراتر گزیدند، دو شعر یکی عنوان "شعری بر سر مزار رفیق شهید" و دیگری عنوان "سرودهای آخر سید ابراهیم کبیر" - سندی سازمان بیگانه روسپر در راهی! از سندی رفیق بنقل از یکی از نامه های فراتر گزیدند. این مراسم ما در مجاهدین هوشمندانه ای طی مطبوعه پرشوری شعری را که خود سرود بود فراتر گزیدند همچنین ما در شهید کبیرت و حنا سحر صحت نمود، ما در رفیق شهید شهرام و پدر او نیز که صورتها به مشکلات سالها مبارزه فرزند خود و اکنون شهیدانش را حمل کرده اند صحبت نمودند، شرکت خانوادگی شهید و زندان سازمان رژیم شاه، شکوه خاصی به این مراسم بخشید، مراسم در جایگه به با بان خود نزدیک بود مورد مزاحمت تعدادی از افراد نا آگاه و متحرک شده "جزب اللهی" قرار گرفت و سراجا ما در دوره رفیق شهید و دیگر شهدای جنبش انقلابی و کمونیستی بیایمان رسید.

رفیق شهرام در دلنهای کارگران و زحمتکشان مبین ما زنده خواهد ماند.

بقیه از صفحه ۳

وزیر کار...

"یا زشوراها برای تمبیر سودویزه نظرخواهی کردند یا خیر؟ اصلا شورای عالی کار چه کمالتی هستند؟"

روشن است که لغو قانون سودویزه، حرکتی آشکارا ضد کارگری و در جهت منافع سرمایه داران است. اگر وزارت کار، بعنوان نماینده و مدافع سرمایه داران دست به چنین کاری میزند عیب آن این نیست که برای نفوس سودویزه چرا با شوراها شورت نکرده است، زیرا اثر آن شوراها هم نظرخواهی میگردند یا رژیم جمهوری اسلامی به چنین کاری دست میزد. زیرا این رژیم کسبه و حرفه‌ایان سرمایه داران کاری انجام نمیدهد. این رژیم به خوبی میدانند که با ربحان، گران و متکسلات کنونی را باید بر پشت زحمتکشان بیندازد. این رژیم بخوبی میدانند که برای تشویق بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در ایران، برای ایجاد "نظم و امنیت" برای سرمایه داران باید امروز سودویزه را لغو کند. سودکارگران آگاه و موبار را از اخراج کند و بعد قانون تنظیم طی "رادکارخانه" ده کند و غیره. پس به فرض این که به شوراها هم برای تغییر این قانون نظرخواهی میبشد تا تیری در این کار نداشت.

اما اینکه اصلا شورای عالی کار چه کسانی هستند، به این سوال خود وزیر کار را بچطور جواب داد:

"سه نفر از نمایندگان شوراها یا سندیکاها، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر نماینده دولت هستند. سه نفر از نمایندگان کارگران را با توجه به اینکه مکان تعیین نماینده از طرف کارگران نبود این افراد را من خودم با اجازه شورای انقلاب تعیین کردم."

این افراد عبارتند از: علی ربیعی، علی محمد عرب و یک نفر از ناسیونال که همه از عوامل حسرت ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. همچنین وزیر کار میگوید:

"سه نفر نمایندگان کارفرمایان را هم ما از مدیران دولتی انتخاب کرده ایم و نه از کارفرمایان، و سه نفر دولتی را هم یک نفر از وزارت صنایع و معادن، یک نفر از شرکت نفت، یک نفر از وزارت کار تعیین شده اند..."

جناب وزیر کار میگوید که چون امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود، این افراد را خودشان با اجازه شورای انقلاب تعیین کرده اند.

ما سوال میکنیم چطور امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود؟ آیا از طریق رجوع به شوراها یا کارگری و اتحادیه‌های موجود کارگری نمیشد نمایندگان واقعی کارگران را شناخت؟ روشن است که این کسب و کار مکتب پذیر بود اما وزارت کار نمیتواند چنین کاری بکند، زیرا منافع طبقه سرمایه داران این عمل مغایر است. سال گذشته هم چنین بود، آن زمان هم چون وزیر کار قبلی وقت نداشت عده‌ای را برای شورای عالی کار انتخاب کرد و خودش بریده خودش دوخت و وقتی هم که حداقل حقوق کارگران ۵۶۷ ریال تعیین شد گفت: "این نظر خود نمایندگان شما بود که در شورای عالی کار آنرا حساب کردند و نظیر. دند" اما روشن است که همه اینها دروغ محضی با شد و وقتی پسای منافع سرمایه داران در میان باشد حتما شورای انقلاب هم به نفع آنها مذاخه میکند، اینرا ما در کلیه اعمال و حرکات ضد کارگری رژیم کمونیستی که شورای انقلاب تا کنون در آن بوده است به چشممان دیده ایم.

نفر دوم که پشت میکروفون رفتن کارگر مسمن و زحمتکشی بود که زشورای کار کارگاههای سنگ بری تهران آمده بود و به درستی ضد کارگری بودن این قانون و دفاع آشکار آن را از سرمایه داران بیان کرد. او گفت که با اجازه حقوق ۱۰۸ ریال اسما ل کارفرمایان سنگ بری متری ۴۰ تا ۵۰ تومان روی قیمت سنگ کسیده اند، در حالی که قیمت سنگ تمام شده متری ۵۲ تومان است و قیمت سنگ در بازار چندین برابر بیشتر است. در حالی که یک کارگر سنگ بری با چند ساعت کار ۶۲۵ ریال حقوق میکسرد. این کارگر گفت:

"چرا شورای انقلاب سودویزه کارگران را زده است؟ این واضح است که ما این کارها را نمیکنیم سرمایه دارها میکنند. اگر میخواهند تورم را با سودی زار بیاورند سرمایه داران را کم کنند، نه حقوق ما را."

پس از آن "بدالله سلطانه" عضو شورا و وهسات مدیر گروه شهریه‌ای میکروفون رفت. وی نماز و وقت را به حرافی گذرانید و دست آخر کوشای هم به وزارت کار زد.

پس از آن خالقی اداره کننده طبعه دیگر وقت صحبت به کارگران نهاد و خودش اعلامیه کارگران نورهای اسلامی کارگران را خواند و پس از آن از وزیر کار میخواهد که با بدو صحبت کند.

لازم به تذکر است که اداره کننده کارجلسه سی و کوس زیاد ی به کار میبردند تا مسائل را مالتی کنند و با زورنگی خاص خودشان که آن هم کوشش برای آنتی دادن کارگران و سرمایه داران است تمییز گذاشتند که کارگران در دلدل خودشان را بگویند و به فشاگری پیرامون این عمل ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی بپردازند.

وزیر کار در صحبتهايش ادعا میکند که کارگر مفهوم واقعی اعلامیه لغو سودویزه را درست نفهمیده است. اما حرفهای او که دروغ بودن آن بر همه کارگران روشن بود، تا تیری نداشت و برخی کارگران را به اعتراض کشانید، و کارگری با صدای بلند فریاد زد:

وزیر کار را بیدرپیش ما م محاکمه بشود" این گفته‌ها تا شیدا طغ کارگران رو برود.

اما وزیر کار رول نمیکرد و به قول خودش اشکات میکرد که حقوق کارگران پس از لغو این قانون بیشتر هم شده است. وزیر کار از زحمات شبانه روزی خودشان برای تهیه این لایحه صحبت میکرد و گفت که:

"ما وقتی لایحه سودویزه را نوشتیم و به شورای انقلاب بردیم بدون حتی یک رای مخالف تصویب شد."

حالا دیگر برای کارگران روشن است که چرا باید همه افراد شورای انقلاب با این لایحه موافق باشند و حتی یک نفر مخالفت نکند زیرا همه افراد شورای انقلاب مدافع سرمایه داران هستند و هیچ کدام آنها حتی ذره‌ای در جهت منافع کارگران کوشش نکرده و نخواهند کرد.

اما برای اعتراض کارگران و صحبتهای افشاگرانه شان وزیر کار مجبور شد کمی کوتاه بیاید و گفت که ما این قانون ظالمی را لغو کرده ایم، اما هنوز به جای آن قانونی نگذاشته ایم، شما طرحی بدهید تا به مجلس بفرستیم. این مجلس است که باید قانون در رابطه با مالکیت و اقتصاد اسلامی تصویب کند، آنها هستند که باید راه حل بدهند که سودی چه ترتیب تقسیم شود. آیا سهم کارگران، سهم سود سرمایه، سهم بزرگان و غیره چقدر میشود..."

روشن است که اگر فردا هم مجلس قانونی وضع

بکنند از آنجا که مجلسی معرفی شده و ما میانه همیسم رژیم کمونیستی هستند سود کارخانه‌ها به سهم سود سرمایه بزرگان را بزنند، سهم سرمایه داران... تقسیم خواهد کرد و سرمایه‌های بزرگان را بزنند. اما کارگران به کفهای وزیر کار را اعتراض می کنند و یکی از کارگران! و راه عوان سرمایه دار و خاش و... معرفی میکند. اعتراضات زیادی به سخنان وزیر کار میشد، ولی چون گرداننده جلسه نمیخواست که کارگران صحبت کنند، وقت به آنها نداد و میکروفون شما ما در اختیار نداد.

لازم است که در جلسات آینده، ما حتما نماینده‌ای از خودمان برای اداره جلسه انتخاب کنیم تا به اسم اداره جلسه سرمایه داران و وزیر منتخب آنها دفاع نشود.

در ادامه وزیر کار گفت: "ما شوراها را قبول داریم ولی نه همه شوراها را، مثلا کمیته را اصلا نمیکنیم که کارگران کارخانه‌ها (که چینی بوده است و در شورا انتخاب شده بود..."

در ادامه با بدگوشی جناب وزیر کار شما با بدهم بعضی شوراها را قبول نداریم شما نباید شوراها را یعنی کارگری و مدافع کارگران هستند، هر کجا این شوراها به هفت کارگران تشکیل شد، شما فوراً با هزار مارک و بر حسب آنها حمله کردید تا کارگران را نسبت به نمایندگان واقعی شان بدبین کنید و از آن گل آلود ما می بگردید، اما کور خوانده‌ایم ما کارگران آگاه میدانیم که با یستی شوراها ای قلابی و انجمنهای اسلامی که چشم و گوش حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و همپالکی‌های شما هستند را منحل کنیم و شوراها را کارگری واقعی را تقویت کرده و با گذاشتن ما را پس طریق حقوقمان را که هر روز توسط سرمایه داران مزدور به غارت می‌شود دست آوریم.

کارگران مبارز!

نه آن امرادی که در خانه کارگر جمع شده اند و سنگ منافع کارگران را به سینهمیزند (مثلا علی ربیعی و عرب و...)، اما عملاً دنبال سیاستهای ارتجاعی و منافع حزب جمهوری اسلامی هستند و نه کارگران واقعی اسلامی کارگران (پلی تکنیک) که بیشتر نماینده و بنی صدر هستند هیچکدام ما می واقعی کارگران نیستند ما عملاً اهداف حزب جمهوری اسلامی را از علم کردن سودویزه گفتیم، در این مقاله روشن شد که عوام مسل "کارگران شوراها" اسلامی کارگران "نه فقط دلشان به حال کارگران نمی‌سوزد بلکه سعی دارند با اعتراضات کشانیدن مبارزات کارگران رهبری خود را بر آنشان اعمال نمایند.

کارگران مبارز!

شما تجربه کارگران ما طی چند سال اخیر و طی دهها سال اخیر شما تجربیات کارگران جهان نشان داده است که همواره این امکان وجود دارد که احزاب خائن به طبقه کارگر بشناسند طی دوره‌های مبارزه کارگران را بزرگ پرچم‌روغین خود بکشند (نمونه حزب توده در سالهای ۳۲-۲۵) لیکن تجربیات بسیاری از کارگران جهان نشان داده است که کارگران هر گاه زیر رهبری واقعی خود (حزب طبقه کارگر) متشکل شوند خواهند توانست نه فقط مبارزات منفی خود را به نحو مطلوبی به پیش ببرند، بلکه در مبارزات سیاسی به عنوان یک طبقه متشکل و متحد شرکت کرده، قدرت سیاسی را بدست آورده و به سمت استقرار نظام سوسیالیستی و کمونیسم که منافع واقعی تمام کارگران و توده‌های زحمتکش در آن برآورده میشود به پیش بروند.

نقشه ۴ صفحه ۴ اعلامیه سازمان ...

با اواخر روز چهارشنبه ۸ مرداد در ایستگاه لیبوس و روزی با همه خبرنگاران بود و نیز توسط شورای انقلاب تهران سببی مدررا اعلام نمود. در همان روز موج عظیم اعتراضات وحشی بعضی موارد اعتراضات کارگران بوجود آمد. بسیاری از کارگرانی که در سنگی بر ما هیت زدگارگری رژیم آگاهی ندارند، بخوبی فهمیدند که این اقدام عملی است ضد کارگری، فردای هما نروز یعنی پنجشنبه ۹ مرداد، حزب جمهوری اسلامی که بسیاری از ارگانهای دولتی - از اردیو تلویزیون و روزنامه ها گرفته تا اکثر کرسی های مجلس شورای - را در دست دارد، در روزنامه مهر سبی خود، جمهوری اسلامی شروع به ادا و فریاد بر علیه وزارت کار و رئیس جمهور و حتی شورای انقلاب که بسیاری از اعضا آن جزء رهبران همین حزب جمهوری اسلامی هستند نمود. حزب جمهوری اسلامی به این وسیله گوش میگرداند خود را طرفدار کارگر و مستضعفین و دشمن سرمایه داران و مستکبرین نشان بدهد. ولی در حرف فحش دادن به سرمایه داران و استعمارگران به معنی در عمل طرفدار کارگر نبودن نیست. این روزها هر حزب طرفدار سرمایه داری را که ببینید، در حرف خود را طرفدار کارگر نشان میدهد... اما تنها دیده ظاهر حرفهای آنها و به بدویرا گفتن آنها به سرمایه داران و استعمارگران و شورای انقلاب نگاه کنیم. بلکه باید قدرت کنیم، ببینیم واقعیت چیست و جریب جمهوری اسلامی با چه هدفی لغو سودویزه را مورد حمله قرار میدهد و چه پیشنها داتی در این مورد ارائه میدهد ما با بررسی نظرات حزب جمهوری اسلامی و عوام الناس نشان خواهیم داد که اختلاف بین بنی مصادره جریب جمهوری اسلامی بر سر استعمار شدن یا استعمار رفتن کارگران نیست. این دو جناح رژیم جمهوری اسلامی کاملاً موافق با استعمار روس کوب کارگران می باشند هر دو اینها موافق با کمتر شدن دستمزدها کارگران و مدافع منافع سرمایه دارانند. اختلاف این دو برسر این است که قوانین ضد کارگری در این زمان یا در زمان دیگر، از این زاویه یا از دید دیگری به اجرا در بیاید. چنانکه تا بحال دیده ام هر یک از این دو جناح برای کوبیدن جناح دیگر و بیشتر قدرت گرفتن خودشان تا اکنون از هیچ عملی دریغ نکرده اند. انتشار تواریت بوسیله بنی مصادره حزب جمهوری اسلامی و توطئه چینی آنرا برای همه روشن کرد. همه روزها ما شاهد هستیم که در مجلس شورا چگونه این دو جناح به جان یکدیگر می افتند و بپیکار می پردازند. این دو جناح - اندازند، همچنین ما شاهد بودیم که در جریان سفارت آمریکا چگونه حزب جمهوری اسلامی با شعارهای تند و تیز "صدا میرا لبستی" برای فریب مردم به میدان آمد و مردم را تا مدتها بدنحال خودش کشاند. حال ببینیم هدف های حزب جمهوری اسلامی از به اصطلاح مخالفت با لغو سودویزه چیست؟

دم خروس یا قسم ...!

حزب جمهوری اسلامی در طره خود را مخالف تصمیم شورای انقلاب و راست جمهوری در مورد لغو سودویزه نشان میدهد. روزنامه جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۱۳ مرداد از قول "کانون هما هنگی شورا های اسلامی کارخانجات و صفوف خانه کارگر" که به همین حزب وابسته است می نویسد:

"ما طی بیانیه ای لغو قانون سهام کردن کارگران در مسافع کارخانجات (سودویزه) را که... به تصویب شورای انقلاب رسیده بود محکوم نمودیم."

ما متکوشم و لا حرب جمهوری اسلامی از مدت های قبل در بی لغو سودویزه بود. زیرا در این سال گذشته آثار آن البته نهی است (از رهبران حزب جمهوری اسلامی) طی مصاحبه ای اعلام کرده بود سودویزه طاعونی است باید حذف شود.

تاسیا - بسیاری از اعضای شورا انقلاب از رهبران حزب جمهوری اسلامی میباشند. مثلا بعضی، رفتن جانی یا هنر، موسوی اردبیلی، خامنه ای، بروشن است که اگر حزب جمهوری اسلامی واقعا مخالف این قانون باشد هرگز شورای انقلاب موفق به تصویب قانون اخیر نمیشد.

اینجا است که دم خروس بیرون می افتد و در مین می شود که مخالفت حزب جمهوری اسلامی با لغو سودویزه چیزی جز فریب کاری نیست

مزدارگران کم کنید، اما کمی دیرتر!

چنانکه قبلا هم گفتیم سال گذشته بهشتی در مصاحبه خود در مورد سودویزه بر روی صورت حذف سودویزه تاکید کرده بود و فقط اضا فیه کرده بود که حالا زمان اینکار نیست. ما نشان میدهیم که هنوز هم اختلاف حزب جمهوری اسلامی با تصویب کنندگان قانون لغو سودویزه فقط بر سر زمان اجرای این قانون است روزنامه جمهوری اسلامی سهشنبه ۱۴ مرداد به نقل از بیانیه شماره ۵۱ انجمن اسلامی کارگران با فند سوزنی (وابسته به این حزب) در مورد لغو سودویزه می نویسد:

"اگر ما دست اندر کاران نقاضا می نمودا اگر جنا چه تصمیماتی اتخاذ میکنند (تصمیماتی ما نیست) تصویب قانون ضد کارگری لغو سودویزه (ترا بیط و اوضاع را در نظر بگیرند (یعنی فقط اگر ترا بیط و اوضاع را در نظر بگیرند، دیگر خود آن قوانین ضد کارگری ای برادی ندارند... و مهمترین مسئله این است که در این موقعیت خطرناک آیا تمام مشکلات مملکتی حل شده که آقایان اینچنین سراسیمه در جهت حفظ منافع اقلیتی سرمایه دار... که ما برداشته اند؟ (یعنی اگر موقعیت اینچنین خطرناک نبود و تمام مشکلات مملکتی حل شده بودند آن وقت آقایان مجاز بودند اینچنین سراسیمه در جهت منافع سرمایه داران کام برداشته و قسمتی از دستمزدها کارگران را به حیب ببرند؟)" (تاکید از ما)

دعوا بر سر منافع سرمایه داران است

حزب جمهوری اسلامی ادعا میکند با عملکردها و تصمیمات وزارت کار مخالفاست. همان بیانیه "کانون هما هنگی شورا های اسلامی کارخانجات و صفوف خانه کارگر" میگوید:

"ما طی بیانیه ای لغو قانون سهام کردن کارگران در منافع کارخانجات (سودویزه) را که توسط وزارت کار طراحی شده... بود محکوم نمودیم." ما طی بیانیه خود از مسئولان وزارت کار و امورا جمعا می خواستیم که از پشت میزهایشان برخیزند و برای ساخت جامعه کارگری و مسائل صنعتی به کارخانجات و موسسات تولیدی رجوع کنند"

حتی وزارت کار را هم قبول ندارد که ما کارخانجات کارگر در مورد سودویزه اختلاف جدی داریم و بر روی وحدت نظراسی با آن تاکید دارد:

"وزیر کار و امورا جمعا می در مورد کارگرانی که در خانه کارگر جمع شده و در رابطه با سهام شدن در سودویزه کارخانجات و وجود ما لیکت نظراتی داده اند گفت: خودی را در آن و خواهان کارگر میگویند که این قانون به نفع کارگر نبود ما هم همین را میگوئیم منتهما ما این شایعات را داشتیم قانونی را که سودی برای مستظفان نداشته لغو کنیم، یعنی همه هم جهت هستیم." (کپیا - سهشنبه ۹ مرداد ۵۹)

ما در اینجا نشان خواهیم داد که هدیه های وزارت کار و حزب جمهوری اسلامی یکی بوده و تصدیق هر دو جلوس کیری از کم شدن تولید و خدمت به سرمایه داران استرا استعمار بیشتر کارگران است. یکی از مقامات بلند پایه وزارت کار "در مورد همین قانون لغو سودویزه گفته است:

"این مصوبه با طرح ت کارخانجات و کارگرانی کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است." (روزنامه جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۹ مرداد)

وقتی که به دو مین بیانیه کارخانجات را که در (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) امر جمع میکنیم متوجه میشویم که عدل این مدار تین دروغین طبقه کارگر هم مانند وزارت کار بحال سرمایه داران میسوزد. و وحشت زده به همان خطر "رکود تولید" و "اعتصاب کارگران" اما ره می کند، گوش کنید:

"لغو قانون فوق (سودویزه) ... عامل ایجاد نا رضایتی در کارگران شده و طی چند روز گذشته چندین کارخانه دست به اعتصاب زده و تولید آنها را روبرو کرده است. و بعضی سرمایه داران، بدون در نظر گرفتن طرح لغو قانون سهام نمودن کارگران در منافع کارخانجات به بیراهه ت سودویزه ادا میدهند."

(روزنامه جمهوری اسلامی ۵/۱۳)

می ببینیم که حزب جمهوری اسلامی با وزارت کار برای رساندن منافع بیشتر به سرمایه داران مسافه گذاشته اند...

تفرقه بیانانداز و حکومت کن!

حزب جمهوری اسلامی و رهبران مرتجع آن و عوام الناس با ادا و فریاد دگوش میکنند سنگ طبقه کارگر را به سینه خود میزنند و خود را بدو غ طرفدار طبقه کارگر جا میزنند. سن حزب و عوام الناس که اینجا بر علیه استعمار کارگران داد سخن را انداخته در وقت که به لغو سودویزه در کارخانجات دولتی میسوزند میگویند:

"اینجا بدین حرکت در مورد شرکت های دولتی عملی درست بلیغی بود." (بیانیه شماره ۵۱ انجمن اسلامی کارگران با فنده سوزنی)

میدانیم که سودویزه قسمتی از دستمزدها کارگران می باشد و لغو آن یعنی حذف قسمی از دستمزدها کارگران است و این قدمی است در جهت استعمار بیشتر کارگران حال چه سودویزه کارگران کارخانجات دولتی حذف شود و چه سودویزه کارگران کارخانجات خصوصی.

ما سوال میکنیم: چرا باید قسمتی از دستمزدها کارگران کارخانجات دولتی که در واقع قسمتی از هستی و زندگی آنان است حذف شود؟ مگر کارگر کارخانجات دولتی با کارگر کارخانجات خصوصی فرو داده هدری آنها مزد بخورند و منبری میکنند که بیرون کفاف خرج زندگی شان را میدهد. مردو نشان با بدبا همس حقوق نا چیز کلیه ما یحنا چنان را که همه روز در آن میسوزیم شدید فیمنا س بطور سراسر آموری با لامبرود سپه کنند.

مگر از کارگری که سرای خریدمان و کونست (که ا حیرا بدستور رژیم جمهوری اسلامی بدست کاران شده است) و غیره به فرو سنده امر جمع میکنند سوال می شود که کارگر کارخانه دولتی است یا خصوصی؟

جنگ قدرت با بنی صدر

با این توضیحات حال باید به این سوال پاسخ داد که در اینجا اساساً حزب جمهوری اسلامی برای چه بدو غ خود را می کارگر میزند و با لغو سودویزه مخالفت نشان میدهد؟ پاسخ را باید در توضیحات کوی سبسی سیاسی کشور و خصوصاً اوج گیری اختلافات بین دو جناح

کمکهای مالی دریافت شده

۷۲۰۰	ف	۱۷۰۰۰	ح	۶۰۰۰	آ
۱۳۴۰۰	"	۲۳۰۰	"	۳۰۰۰	"
۶۰۰۰	"	۸۰۰۰	د	۱۴۰۰	الف
۲۲۲۰	"	۲۰۰۰	"	۳۰۰۰	"
۲۱۷۲۰	ق	۲۵۰۰۰	ر	۱۹۰۰۰	"
۱۲۷۲۰	"	۱۱۵۰۰	"	۲۱۲۰۰	"
۱۴۷۷۱۰	"	۱۶۰۰۰	"	۱۱۴۰۰	"
۲۰۰۰۰۰	ک	۱۵۰۰۰	"	۱۱۴۰۰	"
۴۰۰۰۰	"	۱۳۴۰۰	ز ج	۲۲۵۰۰	"
۱۶۰۰	"	۱۳۰۰۰	ز	۱۵۵۰۰	"
۵۰۱۰	"	۴۵۰۰	ژ	۱۱۱۱۰	"
۱۱۰۰۰	"	۲۷۰۰	س	۶۳۶۰	"
۴۱۰۰۰	"	۳۹۹۰۰	"	۱۵۷۰۰	"
۱۹۰۰۰	ل	۱۴۰۰۰	"	۳۵۰۰	"
۲۰۰۰۰	م	۵۵۰۰	"	۸۷۵۰	"
۶۰۰۰	"	۴۰۶۰	"	۷۹۰۰	"
۸۵۰۰	"	۳۳۱۰	ش	۶۷۰۰	ب
۱۸۰۰۰	"	۸۰۰۰	"	۱۱۲۰۰	"
۸۳۰۰	"	۱۲۸۰۰	"	۱۲۴۵۰	"
۲۷۵۰۰	"	۹۰۰۰	"	۹۰۰۰	"
۴۶۰۰	"	۶۳۰۰	ص	۸۷۰۰	"
۱۶۴۰۰	"	۶۰۰۰	"	۸۲۰۰	"
۵۰۰۰	"	۷۶۰۰	"	۹۵۰۰	پ
۵۰۰۰	"	۱۲۵۰۰	ع	۱۰۶۰۰	"
۴۰۰۰	"	۲۱۰۰۰	"	۱۲۷۰۰	"
۵۰۰۰	"	۸۳۶۰	"	۸۸۰۰	"
۱۰۱۰۰	"	۳۰۰۰۰	"	۶۰۰۰	"
۵۰۰۰	"	۴۱۲۰۰	"	۶۸۰۰	ت
۸۹۰۰	"	۸۰۰۰	"	۲۹۰۰	ج
۶۸۰۰	ن	۸۳۰۰	"	۶۲۰۰۰	"
۴۰۰۰	"	۵۵۰۰	"	۱۱۱۰۰	"
۱۱۰۰۰	"	۲۷۰۰	"	۷۰۰۰	ح
۶۳۰۰	"	۷۲۴۰۰	"	۵۷۵۰	"
۸۳۰۰	و	۲۵۰۰	غ	۲۰۰۰	"
۲۵۰۰	ی	۱۵۵۵۰	ف	۵۴۰۰	"
				۲۲۰۰	"

۱- دهقانان مبارزینکی از روستاهای آمل، مبلع ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 ۲- دهقانان مبارزینکی از روستاهای محمودآباد، مبلع ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 ۳- رفیق ر- (بریا وظیفه) کمک مالی ات رسید.
 ۴- رفیق دانش آموزان ما در زمان دربروجرد کمک مالی ات دریافت شد.
 ۵- رفیقای هسته دانش آموزی، مبلغ ۲۵۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 عرفقای اوادارسان زمان دربروجرد، کمک مالی شما دریافت گردید.
 ۶- رفیق سعید کمک مالی ات رسید.

سوزی سینیا رکن آبادان به نمایندگی میگذارد. از طرف دیگر رژیم بوا سطح حمایت فعال ما از خواستها و مبارزات برحق با زمانندگان شهدای سینیا رکن و بیعت دشمنی - اش با نیروهای انقلابی و از جمله سازمان مسما میخواستند این عنوان که گویا سازمان پیکار را ملخصن با زمانندگان است خواستهای برحق این خانواده - های داغدار را سرکوب کند، در صورتی که این - خانواده های شهدا و مردم زحمتکش آبادان هستند که به مبارزه در جهت افشای پرونده فاجعه دردناک سینیا رکن آبادان برخاسته اند و در این راه مورد حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما قرار دارند.

می بینیم که حزب جمهوری اسلامی به تا زکی اینجستن دم زکا و گرمیزند، اینها همه فقط در حرف است و در عمل حزب جمهوری اسلامی از سافع سرما به داران دفاع میکند. هدف حزب جمهوری اسلامی این است که به این وسیله و با کمک انجمنهای اسلامی کارخاجات و شورا - های ضدکارگری که در کارخانجات علم کرده است (شورا) - ها نشی که کارگران کما بیش به ما هیتان بی برده اند و تا کنون برای انحلال آنها کوششهای همداشته اند) و همچنین بوسیله اتحادیه های ضدکارگری مانند کانون خانه کارگر و... کارگران ناراضی و معترضی که بر علیه این قانون بیباخا پیتها انداریدنیال خودبگنجانند و در واقع خنجرش را از پشت به آنها بزنند. همچنین حزب میخواهد به این وسیله برای بیعت آوردن سپه پیشتری از قدرت دولتی با بنی مدربه مقابله بر داند. شما کارگران آگاه و مبارز با بدبا هوشیاری زیاد، ما هیت ضدکارگری این حزب و عوامش را برای توده های کارگران آشنا کنید و مانع از اینکار شوید. کارگران برای ایستادگی هر چه متشکل تر و استوارتر در مقابل توطئه - های ضدکارگری رژیم رتجای و ضد مردمی جمهوری اسلامی و الفای این قانون تنها یک راه دارینستند: متشکل شدن در شوراها و اتحادیه های واقعی! پیش بسوی تشکیل شوراها واقعی!

اعلامیه شماره ۹۲

انجمن انقلابی تبریزا هیت متشکل مستقل زحمتکمان را در مقابل تشکیلات سازشکاران، مرتجعین و قسوی دولتی بخوبی نمایان ساخت و نیز ثابت کرد که چنانچه رهبری تشکیلات توده ای در دست نیروهای انقلابی و کمونیستها یعنی نمایندگان منافع طبقه کارگر بیفتند، آنگاه هیچوقت چنین تشکیلاتی در دامشویه های اصلاح طلبانه و سازشکارانه گرفتار نشیند و همچنین منافع زحمتکمان را نمایندگی میکند.

مجلس شورای ملی و فدا مات قانونگذاری دوره - های اول و دوم این مجلس بیانگرایان واقعیت بود که در حالیکه ما شین دولتی (نظامی - دولتی) در دست طبقات حاکمه و مرتجعین است هرگز زحمتکمان نخواهند توانست منافع خود را از طریق شیوه ای پارلمانتارستی تا مین کنند. انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودال و نیمه فئود و سلطه مبرزیا لیستها را بر میهن ما دست نخورده باقی گذاشت و تنها در روستای حکومت و نهادهای سیاسی و اجتماعی تغییرات سطحی بوجود آورد که آنها بیبا بیورش مجددا رتجاع از بین رفت. شعله های قسورزان جنبش توده ای مشروطیت پس از گذشت دهها سال خاموش نشدنی است چرا که توده ها هنوز به رژیم نماینده خود دست نیافته اند. از تجربیات جنبش خلق بیاموزیم و با حدا کثرتوان، با حمایت توده ها تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به پیش رویم.

برخی موارد با چشم و نفرت اشک میریختند. پس از سخن رانیها، جمعیت چندین هزار نفری ضمن دادن شعار - های انقلابی "ما داره غدیده در بنداست" "جلاد سینیا رکن آزاد است" "پاسدار ربا سارحای سرمایه دار" "پاسدار ربا سارحامل قتل و کشتار" و... برآه افتادند. و پس از طی خیابان داغلی قبرستان متفرق شدند.

ناگفته نماند که طی این چند روز در دیو و غو و بیرون خوزستان تبلیغات گسترده ای را بر علیه با زمانندگان شهدا و سازمان ما آغاز کرده است. رژیم با اینکار رتس خود را از افشا شدن دخالت عوامل مرتجع اش در آتش -

نگو سود...

بسی صد و حزب جمهوری اسلامی جستجو کرد. هما نظور که همه کارگران و زحمتکمان، منهن ما چه در را دیدیم و بلیزبون و حد در روزنامه ها و مجلس و مساجد... شاهدند اختلاف بس بسی صد و حزب جمهوری شد گرفته و علت آنهم حرص و آز و کوسن هر کدما ما را بین دوبرای قسدرت گرفتن سستراست. و منحصا این روزها هر کدما ما را بین دولاتین میکسند نخست وزیر دولت مورد نظر خود را انتخاب نمائند. در این راه هم حزب جمهوری اسلامی و هم بسبی - صدرا زهر و سله های برای رسدن به مقصود استفاده میکنند. و امروز حزب جریان "سود و یژه" را علم کرده است با از حرکت اعترافی و عادلانه کارگران که بلافاصله پس از اعلام قانون ضدکارگری اخیر شروع کشته است استفا ده نما بدو هم از افتادن رهبری مبارزه بدست کارگران آگاه و مبارز و جلوگیری نماید و هم از آن وسیله ای برای مبارزه قدرت با بنی مدرسه ساز و بانسلیفات علیه بنی صدر و دولت موضع خود را در مقابل وی تقویت نماید...

کارگران مبارز و آگاه!

چنانکه تا کنون نشان دادیم حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و ریاست جمهوری بطور کلی با هم فرقی ندارند و همگی بر سر دفاع از سرمایه داران و محروم ساختن بسین از بسین کارگران با هم توافق دارند. اگر

بقیه از صفحه ۷

بقیه از صفحه ۷
 با فدا کاربیا و جانبا زبهای فدا شیان و ما هد بسین مسلح تبریز با شکوه تمام به شما پیش گذاشته شد.
 پیروزیهای نسبی جنبش مشروطیت و عقب نشینها و شکستهای مکرر رتجاع در مقابل جنبش، تنها و تنها در اثر مبارزات مسلحانه انقلابیون واقعی بدست می آمد و روحانیون بزرگ و سایر سازشکاران و مرتجعینتھا بیرومای اینگونه مبارزات سوار شده، بسویه های آتزاز طریق غصب قدرت و کسب امتیازات و چانه زدن با حکومت تمام حب می - کردند و در عوض توده ها را از کسب مستقیم قدرت بازمیداشتند نقش عظیم کمونیستها و نیز تا تیرکمکهای بیدریغ کمونیستهای قفقاز و دیربیزی قیام تبریز، فتح تهران، جنبش جنگل و... بخوبی ثابت کرد که بیوشش مذهبی جنبش در اغلب نقاط ایران تا تیری تعیین کننده در محتوای آنها نمیکذاشت بلکه حتی با عسرت تسلط روحانیون بزرگ بر جنبش بسوء استفاده مرتجعین از احساسات مذهبی توده ها میگردد و نیز ثابت کرد که انگیزه های واقعی توده ها برای مبارزه در درجه اول از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و مادی آنها سرچشمه میگردد. تجربه تلخ خلق سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسیده بخوبی این واقعیت را نشان داد که توده ها تنها به تکیا نیروهای مسلح توده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورده را حفظ نمایند.

موفقیتهای چشمگیر انجمنهای توده ای و بخصوص

جوا رژیم...

بقیه از صفحه ۱۶
 این راهیسمائی تالیسی از شب ادا مده داشت و در پایان مردم قرا کذاشته که فردا ساعت ۹ صبح در قبرستان شهرآجمع کنند.
یکشنبه ۵۹/۵/۱۲ افشاکری با زمانندگان شهدا
 از ساعت ۹ صبح این روز مردم بندریخ در خاکستان (قبرستان) اجتماع کردند. حدود ساعت ۱۰ صبح افشاگریها و سخنرانیها با زمانندگان در چهار نقطه بر سر خاک شهدا شروع شد. این افشاگریها تمام جریاناتی را که در این مدت بر آنها گذشته بود در بر میگرفت مردم شدیداً تحت تاثیر افشاگریها قرار گرفته بودند و در

